

## اخبار کارگران و مزد بگیران ایران را در ایران نبرد بخوانید

### رویدادهای مهم بین المللی و منطقه ای موثر بر تحولات ایران

معاون وزیر دفاع آمریکا شبکه های تلویزیونی الجزیره و العربیه را به پخش اخبار نادرست متهم کرد  
پیمان پژمان - رادیو فردا - دوشنبه 6 مرداد 1382- 28 ژوئيه 2003

از آغاز جنگ در عراق، روابط دولت آمریکا با شبکه های تلویزیونی عربی چندان خوب نبود. دیروز پال ولفوویتز Paul Wolfowitz، معاون وزیر دفاع آمریکا، شبکه های تلویزیونی الجزیره و العربیه را متهم به غلو و پخش اخبار ناصحیح کرد. وی گفت که آمریکا با اربابان این شبکه های تلویزیونی در تماس است و به آنها گفته است که انتشار چنین اخباری جان سربازان آمریکایی در عراق را به خطر می اندازد. منظور از اربابان احتمالا حاکمان امارات متحده عربی و قطر است. هر دو شبکه تلویزیونی نام برده غیر دولتی هستند، اما ظاهرا کمکهای مالی از وابستگان سران این دو کشور و عربستان سعودی دریافت می کنند. بیشتر مشکلات دولت آمریکا با الجزیره است که در ابتدای جنگ تصاویر سربازان کشته و یا اسیر آمریکایی در عراق را پخش کرد. الجزیره و العربیه آمریکا را به سانسور و برخورد نادرست با خبرنگاران عرب متهم می کنند. الجزیره دیروز اعلام کرد که دو خبرنگار و راننده این شبکه در شهر موصل به اتهام تحریک مردم برای حمله به نیروهای آمریکایی دستگیر شدند. هفته پیش نیز نیروهای ائتلاف دو خبرنگار رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی را بازداشت کردند.

### برخی از رویدادهای مهم ایران

خبر استعفای وزیر علوم تایید شد  
دوشنبه 6 مرداد 1382- 28 ژوئيه 2003

خبرگزاری فارس: مدیرکل روابط عمومی وزارت علوم اعلام کرد: وزیر علوم روز پنجشنبه استعفای خود را تقدیم ریاست جمهوری کرد.  
مهدخت بروجردی در گفت و گو با خبرنگار سیاسی خبرگزاری فارس ضمن تایید خبر استعفای مصطفی معین وزیر علوم، در خصوص علت استعفا گفت: عدم تصویب لایحه تغییر ساختار وزارت علوم از طرف شورای نگهبان، علت اصلی استعفای وزیر علوم می باشد.  
مدیرکل روابط عمومی وزارت علوم افزود: لایحه تغییر ساختار وزارت علوم از طرف دولت و مجلس تایید و تصویب شد اما شورای نگهبان آن را رد کرد.  
وی تعداد مراکز تصمیم گیری در مورد آموزش عالی را از دیگر علل استعفای وزیر علوم ذکر کرد و گفت: دکتر معین وزیر علوم بر اساس برنامه هایی که به مجلس ارائه کرده بود از نمایندگان ملت رای اعتماد گرفت و چون برنامه های ایشان با این ساختار قابل اجرا نیست استعفا کرد.  
بروجردی تاکید کرد: هر کس بر اساس اهدافی مسؤولیت برعهده می گیرد. وجود موانع بر سر تحقق اهداف می تواند علت استعفا باشد.  
مدیرکل روابط عمومی وزارت علوم استعفای وزیر علوم را بر پایه مبنای اعتقادی دانست و گفت: استعفای ایشان جنبه شخصی و سیاسی ندارد.  
وی در پاسخ به اینکه در صورت عدم تصویب يك تقاضا آیا وزیر باید استعفاء دهد، گفت: این امر بستگی دارد به اینکه ما از چه زاویه ای به قضیه نگاه کنیم وقتی يك شخص احساس کند که به وعده داده شده اش نمی تواند عمل بکند می تواند استعفا دهد.  
بروجردی در خصوص قبول استعفا از طرف ریاست جمهوری اظهار بی اطلاعی کرد و گفت: تاکنون در این زمینه خبری به ما داده نشده است. انتهای پیام/

### مواضع رژیم و جناحهای آن در مورد مهمترین تحولات ایران

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی عدم اطلاع از هویت بازداشت شدگان متهم به قتل زهرا کاظمی را دلیل ارائه نشدن گزارش به کانادا خواند

بکناش خمسه پور (رادیوفردا): دوشنبه 6 مرداد 1382- 28 ژوئيه 2003

حمید رضا آصفی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی امروز، دوشنبه، گفت: تهران در همکاری با اتاوا برای تحقیق درباره مرگ زهرا کاظمی، خبرنگار عکاس ایرانی تبعه کانادا هیچ مشکلی ندارد.

علیرضا طاهری (رادیوفردا): سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی امروز به خبرنگاران گفت: تهران درباره بازداشت پنج تن متهم در پرونده مرگ مشکوک زهرا کاظمی، گزارشی رسمی به کانادا نداده است.

حمید رضا آصفی می گوید: چون از هویت این بازداشت شدگان هنوز خبری نداریم، ترجیح دادیم فعلاً گزارشی رسمی به دولت کانادا ندهیم. سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی می افزاید: به محض آنکه اطلاعاتی درباره بازداشت شدگان دریافت کردیم، در مبادله این اطلاعات با کانادا بر مبنای همکاری های دولتی میان تهران و اتاوا مشکلی نخواهیم داشت.

زهرا کاظمی، خبرنگار عکاس 54 ساله که دارای تابعیت دوگانه ایرانی - کانادایی بود، روز بیستم تیر ماه گذشته بر اثر خونریزی مغزی ناشی از ضربه ای نامعلوم و مشکوک در یکی از بیمارستان های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تهران درگذشت. خانم کاظمی اندکی پیش از مرگ هنگام عکسبرداری از خانواده معترض جوانان زندانی، در بیرون زندان اوین در شمال تهران بازداشت شده بود. دولت کانادا روز گذشته تاکید کرد که تأییدیه رسمی خبر بازداشت پنج متهم به قتل زهرا کاظمی را هنوز دریافت نکرده است.

کانادا نیز همانند کشورهای عضو اتحادیه اروپا، گرم گفتگوهای سازنده با جمهوری اسلامی است. اما روش پرداختن تهران به پرونده مرگ زهرا کاظمی، بر این گفتگوها چنان آسیبی زد که دولت کانادا سفیرش را از تهران فرا خواند. کانادا هم صدا با استفان هاشمی، فرزند زهرا کاظمی، خواستار بازگرداندن جنازه این عکاس ایرانی - کانادایی، به کانادا است. اما جمهوری اسلامی بدون توجه به این درخواست، جنازه خانم کاظمی را در شهر زادگاهش، شیراز، به خاک سپرد.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی پلیس کانادا را به قتل کیوان تابش، Teenager یا دهنده ساله ایرانی مقیم ونکوور کانادا متهم کرده است. اما پلیس کانادا می گوید: کیوان تابش، 19 ساله، مسلح به قمه بود و برای دفاع از جان خود این جوان ایرانی را از پای در آورد. همزمان وزیر خارجه کانادا وعده داده است که درباره این حادثه تحقیقاتی بی طرفانه و حتی با حضور نمایندگان از جمهوری اسلامی انجام گیرد.

حمید رضا آصفی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی این گفته های وزیر امور خارجه کانادا را تحلی مثبت در روابط اتاوا - تهران دانست.

### آیت الله موسوی تبریزی کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان مخالف با شرع مقدس نیست ایلنا - دوشنبه 6 مرداد 1382 - 28 ژوئیه 2003

آیت الله موسوی تبریزی معتقد است؛ نه تنها کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مخالف شرع نیست، بلکه حتی اسلام در مواردی احکام مترقی تر و بهتری از این کنوانسیون دارد. آیت الله سید محسن موسوی تبریزی، عضو مجلس خبرگان رهبری در گفت و گو با خبرنگار خبرگزاری کار ایران در خصوص کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان گفت: به طور کلی در این کنوانسیون خلاف اسلام و خلاف شرعی دیده نمی شود و بر عکس بسیاری از این موارد در مورد زنان و مردان و برابری حقوق آنان مطابق شرع مقدس اسلام است.

وی افزود: در اسلام بهترین و دقیق تر از این مسائل موضوعاتی است که در این کنوانسیون نیامده است.

آیت الله موسوی تبریزی خاطر نشان کرد: در اسلام دستیابی زنان به حقوق خود یا تامین حقوق زنان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

به گفته وی دین اسلام نسبت به این کنوانسیون برای تامین حقوق زنان يك گام پیش است و در زمینه رفع تبعیض و تا مین حقوق این قشر در دین اسلام پیش بینی های لازم صورت گرفته است.

آیت الله موسوی تبریزی با اشاره به این موضوع که در گذشته در بسیاری از کشورها نسبت به حقوق زنان تبعیض ها، اجحاف ها و ظلمهای فراوانی بوده است، گفت: به نظر بنده توجه جدی کنوانسیون به این قوم و قبیله ها و کشورها است.

عضو خبرگان رهبری وجود چنین کنوانسیونی را قدم بسیار مثبتی ارزیابی کرد و افزود: با وجود چنین کنوانسیونی کشور و مردم متعهد خواهند شد که این گونه تبعیض ها را از بین ببرند.

وی تصریح کرد: الحمدلله از روزی که اسلام به عنوان دین نازل شد و پیامبر گرامی اسلام مبعوث شده اند قوانین بلند اسلامی در دنیا برای بشر عنوان شده است.

آیت الله موسوی تبریزی یاد آور شد همه دنیا می دانند و آنهایی که نمی دانند باید مطالعه کنند تا آگاه شوند که مترقی ترین احکام برای زنان در دین مبین اسلام وجود دارد.

به اعتقاد وی دین اسلام در تمام موارد حقوق مساوی را در مورد زنان و مردان جاری کرده است و علاوه بر این در بعضی قسمتهای فکری و معنوی زمینه بیشتری را برای رشد زنان فراهم آورده است.

آیت الله موسوی تبریزی شاهد این مسئله را مکلف شدن زودتر دختران نسبت به پسران عنوان کرد و گفت: این امر دارای مجرای معنوی است که جنس دختر زمینه بیشتری را برای تکامل دارد.

عضو خبرگان رهبری با اشاره به این موضوع که در اسلام برخی از احکام بر اساس حکمت و طبیعت زنان و مردان متفاوت است گفت: طبیعت زن و مرد فرق دارد؛ زن مادر می شود و مرد پدر اینکه مرد باردار نمی شود اشکال تبعیض و ظلم نیست این مسئله نظر به طبیعت و تکوین زنان دارد.

وي افزود: خلقت زن اين مسائل را ايجاد مي کند و خلقت مرد مسائل ديگر را، به اين موارد تبعيض نمي گویند

آيت الله موسوي تبريزي خاطر نشان کرد: با نگاه به اين گونه مسائل ما فکر مي کنيم که ظاهراً تفاوتی در بين است اما بر اساس خلقت و توسل به طبيعت زن و مرد اين گونه موارد پيش بيني شده است. وي با تا کيد بر اين مسله که در بعضي از مسائل حقوقي و مالي تفاوتهاي بسيار جزئي بين زن و مرد در احکام اسلام است گفت: عقیده ما اين است که چون اسلام بر اساس علم و حکمت الهي است، اين تفاوتها نیز بر اساس حکمت و خلقت الهي است.

وي با اشاره به يکي از مواد کنوانسيون گفت: در اين ماده برابري زنان در مقررات و مجازات کيفري تا کيد شده است که اين موضوع بسيار درستي است.

آيت الله موسوي تبريزي گفت: خوب معلوم است که در مقررات ملي و مجازات مجرمين، اينکه مجرم مرد باشد يا زن هيچ تفاوتی نمي کند.

عضو خير گان رهبري با اشاره به مسئله قصاص و ديه زنان گفت: اين موارد خارج از اين مطلب است چرا که مسئله ملي نيست و يك موضوع ديني است.

به گفته وي در احکام اسلامي به دست آمده بر اين موضوع اشاره دارد و بر اساس دين ديه زن بايد نصف مرد باشد.

آيت الله موسوي تبريزي ياد آور شد: اين مکشل قابل حل است و ما با قبول اين کنوانسيون و مقررات آن مي توانيم مسئله ديه را حل کنيم.

عضو خير گان رهبري افزود: براي اداره امور حکومتي و با توجه به اقتضاي زمان بايد مباني حيثيت و عظمت را براساس مباني صحيح جهاني و پيشرفتهاي آن پيش ببريم.

آيت الله موسوي تبريزي تصريح کرد: بنا بر اين اينجا مي توانيم از نظر حکومتي و دستگاه قضايي اين موضوع را قبول کنيم و لو به اين صورت که بگوئيم که در اين گونه موارد نصف ديه را از قاتل بايد گرفت و نصف آن را بايد بيت المال بپردازد.

وي با ارائه اين راه حل گفت: در اين صورت ما اين کنوانسيون را مي پذيريم ودر عمل با آن مطابق مي شويم و در عين حال از مباني شرع عدول نمي کنيم و پرداخت نصف ديه را به عهده حکومت و ولايت شرعي مي گذاريم.

عضو خير گان رهبري خاطر نشان کرد: اين حکم به عنوان حکم ثانوي لازم بر اساس زمان و مکان قابل اجرا خواهد شد و حکومت و حاکم شرعي بر اساس ولايت اختياراتي که دارد بر اساس مصلحت حکومت و نظام نصف ديه را از بيت المال پرداخت خواهد کرد.

آيت الله موسوي تبريزي افزود: اين مسئله را مي توان در مورد اهل کتاب نیز اجرا کرد و مي توانيم تصويب کنيم که نصف ديه اين اشخاص را قاتل بدهد و تصفيش را حکومت.

به اعتقاد آيت الله موسوي تبريزي اين مسائل جزئي هستند و بسيار راحت مي توان آنها را حل کرد. وي با اشاره به بند ديگري از کنوانسيون رفع تبعيض عليه زنان گفت: در اين بند حقوق و مسؤليتهاي يکسان را براي زن و مرد و در هنگام ازدواج و انحلال آن متصور شده است.

آيت الله موسوي تبريزي افزود: اين بند قابل تفسير است و ما معتقديم که زن و شوهر در مقابل زندگي و تربيت اولاد مسوول هستند اما در اينجا دو موضوع مطرح است، اول اينکه بر اساس اسلام تهييه و تأمين مايحتاج برعهده مرد است و مرد بايد تمام مخارج وهزينه هاي زندگي مناسب را تأمين کند. وي افزود: زن در اين زمينه حتي نسبت به خودش مسؤليت ندارد و مسؤليتش برعهده مرد است.

عضو خيرگان رهبري در خصوص موضوع دوم گفت: تفاوت ديگر اين است که حق طلاق و و انحلال زندگي در اختيار مرد است و اگر مي خواهيم حق طلاق را مساوي فرض کنيم در اين صورت بايد در هزينه هاي زندگي زن و مرد مساوي باشند.

آيت الله موسوي تبريزي تصريح کرد: نمي دانيم چه حکمتي باعث به وجود آمدن اين احکام شده است ولي در هر صورت اين احکام بر اساس حکمت خدای سبحان که خالق انسان است صورت گرفته است. وي خاطر نشان کرد: در عين حال اين مسئله جدايي را مي توان به طور ديگري حل کرد که در سند هاي ازدواج زن مي توند شرط کند که من از طرف تو ي شوهر وکیل هستم تا براي طلاق خود اقدام کنم.

آيت الله موسوي تبريزي ياد آور شد: اين شرط ضمن عقد است و بر اساس آن زن مي تواند از طرف شوهر بر اي اقدام به طلاق وکیل باشد نه اينکه بگويد من عقد را قبول مي کنم به شرط اينکه طلاق هم در اختيار من باشد.

وي گذا شتن چنين شرطي را از سوي زن موجب باطل شدن عقد خواند و گفت: چون ماهيت ازدواج با اين شرط از بين مي رود گذاشتن اين شرط باعث ابطال عقد مي شود.

عضو خيرگان رهبري افزود: يکي از ماهيتهاي عقد نکاح از نظر شرعي اين است که طلاق در اختيار مرد باشد بنا بر اين اگر زن چنين شرطي را مطرح کند عقد باطل مي شود.

آيت الله موسوي تبريزي همچنين در اين مورد گفت: زن نمي تواند شرط کند که من عقد نکاح را قبول مي کنم به شرط اينکه تکمين نکنم چرا که ماهيت عقد نکاح به هم مي خورد.

وي با اشاره به اينکه حتي شرط عدم تکمين را نمي توان جز شروط ضمن عقد پذيرفت گفت: اين موارد مربوط به مسئله ماهوي عقد است و باعث نفي عقد نکاح مي شود.

آیت الله موسوی تبریزی درباره بند دیگری از این کنوانسیون در خصوص حقوق و مسؤولیتهای یکسان والدین نسبت به فرزندان گفت: «صرف نظر از وضعیت زنا شویی زن و شوهر در اسلام مسوولیت‌های یکسان به عهده والدین گذاشته شده است.»

عضو خبرگان رهبری افزود: اسلام بالاتر از این موارد را خواسته و صد در صد هزینه‌های فرزندان را بر عهده پدر گذاشته است.

وی گفت: اکثر مسوولیت‌ها از نظر هزینه‌های زندگی بر عهده پدر است اما در موارد اختلاف، ولایت بر عهده پدر است و پدر اختیارات بیشتری نسبت به فرزندان خود دارد.

آیت الله موسوی تبریزی با اشاره به این موضوع که براساس قوانین اسلام شوهر و پدر خانواده مدیر خانواده نیز هست، یاد آور شد: در قرآن نیز به این موضوع با آیه الرجال قوامون علی النساء، اشاره شده است و عده‌ای به اشتباه فکر می‌کنند این آیه زن را تحت سلطه مرد قرار می‌دهد تا هر چه دلش خواست انجام دهد.

عضو خبرگان رهبری خاطر نشان کرد: واژه قوامون به معنای مدیریت است چرا که در هر جامعه‌ای یک مدیر لازم است و اگر مدیریت دو گانه باشد هرج و مرج ایجاد خواهد شد.

آیت الله موسوی تبریزی افزود: مدیریت باید یک مقداری متمرکز باشد و در خانواده به ویژه در مورد مسائل اجتماعی در خارج از خانه این مدیریت بر عهده پدر است و این امر به معنای ولی بودن است.

وی گفت: در صورت طلاق پدر و مادر کودکان تا سن هفت سالگی در اختیار ما در هستند و ولایت در مورد هزینه‌ها بر عهده پدر است.

عضو خبرگان رهبری تصریح کرد: به طور کلی به جز در این دو، سه مورد که احتمال دارد بعضی فکر کنند مشکلی وجود داشته باشد و خلاف اسلام در این کنوانسیون موردی وجود ندارد.

آیت الله موسوی تبریزی یادآور شد: اگر یکی دو مورد مشکلی هم از نظر شرعی وجود داشته باشد آن هم راه حل بسیار مناسب و خیلی آسانی دارد و می‌توان آن را حل کرد.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا این کنوانسیون که در مجلس مورد تصویب قرار گرفته در شورای نگهبان نیز تصویب خواهد شد گفت: شورای نگهبان بعضی از موارد را به عنوان خلاف شرع یا خلاف قانون اساسی مطرح می‌کند که در نظر ما مخالف شرع و قانون اساسی نیست.

آیت الله موسوی تبریزی افزود: بعضی از قوانینی که در شورای نگهبان رد می‌شود از نظر بعضی فقها و حقوق دانان بدون اشکال است.

عضو خبرگان رهبری در پایان خاطر نشان کرد: اگر من عضو شورای نگهبان بودم این کنوانسیون را خلاف شرع اعلام نمی‌کردم. پایان پیام

با انتخاب سفیر نظامی به عراق هیچ معجزه‌ای رخ نمی‌دهد  
نوعی ملوک الطویفی از طریق گروه‌های فشار در سیاست خارجی بوجود آمده است  
دوشنبه 6 مرداد 1382- 28 ژوئیه 2003

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی گفت: سفیر ایران در عراق باید یک فرد سیاستمدار زبده باشد و با انتخاب یک مرد نظامی در این سمت هیچ معجزه‌ای رخ نمی‌دهد.

محمود اخوان بازارده در گفت‌گو با خبرنگار خبرگزاری کار ایران گفت: عراق همسایه ماست و رفتار ما با همسایه خود باید یک رفتار سیاسی و دیپلماتیک باشد نه نظامی‌گری.

وی افزود: هر سفارتی یک بخش وابسته نظامی دارد که افراد نظامی باید در آن سمت مشغول به کار باشند.

اخوان با بیان این که رفتار امروز آمریکا هیچ فرقی با رفتار گاوچران‌های روزهای اول این کشور ندارد، گفت: با چنین وضعیتی ما نباید بهانه‌ای به دست آنها بدهیم، بلکه باید هنجارها را رعایت کنیم.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا در صورت انتخاب سفیر نظامی به عراق احتمال استیضاح خرازی است، گفت: وزارت امور خارجه جزء نهادهایی است که از هر طرف به آن تیراندازی می‌شود. خود آقای خرازی هم چند ماه پیش در مجلس مطرح کردند که وزارت خارجه نقشی در سیاستگذاری‌ها ندارد و کار این نهاد بیشتر اجرای سیاست‌هاست.

نماینده لنگرود با بیان این که این فشارها به وزارت خارجه و عدم سیاستگذاری توسط خود این نهاد در نهایت به زیان کشور تمام خواهد شد، گفت: نوعی ملوک الطویفی از طریق گروه‌های فشار در سیاست خارجی بوجود آمده است.

وی با بیان این که استیضاح وزیر خارجه می‌تواند به عنوان یک روش اعتراضی به دخالت نهادهای متعدد در امور سیاست خارجی مطرح شود، گفت: البته باید شرایط جهانی و بین‌المللی را در نظر گرفت و بر اساس این شرایط اتخاذ تصمیم کرد.

اخوان در پایان یادآور شد: در جلسه دیروز کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در مورد خبر انتخاب سفیر نظامی برای عراق به طور اختصار بحث شد. پایان پیام

## تورنسم و سلاح‌های کشتار جمعی

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سازمان ملل امروز (دوشنبه) اعلام کرد که ممکن است ماه آینده دو تیم جدید کارشناسی‌اش را به ایران بفرستد.

دوشنبه 6 مرداد 1382- 28 ژوئیه 2003

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) به نقل از روزنامه‌ی هندوستان تایمز، ملیسا فلمینگ، سخنگوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت که اولین تیم کارشناسان آژانس، کارشناسانی قضایی هستند که به درخواست ایران به این کشور می‌روند و در ماموریت 48 ساعته‌شان به توضیح عواقب امضای پروتکل الحاقی از سوی ایران برای این کشور می‌پردازند. فلمینگ گفت که تیم دیگر آژانس، بازرسی‌های معمول از تأسیسات هسته‌ای ایران که در گزارش‌اش به آژانس آنها را معرفی کرده است، می‌پردازد و نتیجه‌ی بازرسی‌اش را در 17 شهریور ماه منتشر می‌کند. انتهای پیام

هویت عناصر ارشد دستگیر شده القاعده توسط جمهوری اسلامی، از دید یک روزنامه بریتانیایی  
بکتابش **خمسه یور (رادیفوردا): دوشنبه 6 مرداد 1382- 28 ژوئیه 2003**

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی امروز در یک نشست مطبوعاتی در خصوص مسائل مختلف از جمله اعضای دستگیر شده القاعده در ایران به پرسش‌های خبرنگاران پاسخ گفت. حمید رضا آصفی در ارتباط با اعضای دستگیر شده القاعده در ایران اظهار داشت که جمهوری اسلامی به اندازه کافی مواضع خود را صریحاً در این زمینه بیان کرده است و افزود که ابتدا باید کارها در خصوص تکمیل پرونده این افراد به پایان برسد و آنگاه گفته خواهد شد که چه کاری انجام خواهد گرفت. جمهوری اسلامی روز چهارشنبه برای اولین بار اعلام کرد که عناصر ارشد القاعده را در اختیار دارد، اما هویت آنها را بازگو نکرد. روزنامه کریستین ساینس مانیتور در شماره امروز خود از این افراد کلیدی القاعده که گفته می‌شود در اختیار جمهوری اسلامی قرار دارند نام برد. شهران طبری (رادیفوردا، لندن): سلیمان ابوغیث، سخنگوی کویته‌ی القاعده را که پس از حمله 11 سپتامبر در یک برنامه ویدئویی گفته بود حمله هواپیماها به هدف‌های آمریکا ادامه خواهد یافت، بسیاری که مسائل 11 سپتامبر را دنبال می‌کنند به خاطر دارند. اکنون کویت می‌گوید که نه تنها ابوغیث در بازداشت مقامات ایران است، که ایران پیشنهاد کرده که این عنصر القاعده را به کویت تحویل دهد.

ایران از طرفی اذعان دارد که تعداد زیادی از اعضای دیگر گروه کوچک القاعده را نیز در بازداشت خود دارد، اما هنوز نام هیچ یک از آنها را فاش نکرده است. علاوه بر ابوغیث، امروز نیز نشریه کریستین ساینس مانیتور می‌نویسد که ایران سعد بن لادن، پسر اسامه بن لادن را که نقش رهبری القاعده را به عهده گرفته و همچنین نفر سوم القاعده و مسئول عملیات نظامی این سازمان یعنی سیف العادل را هم در اختیار خود دارد.

مضاف بر این سه نفر، ایمن الظواهری، نفر دوم القاعده نیز به گفته منابع اطلاعاتی در اختیار مقامات ایران است. او که سخنوری ماهر است، مغز متفکر القاعده و نفر دوم این سازمان است. اگر دستگیری الظواهری توسط مقامات ایران درست باشد، در مجموع با دستگیری این چهار نفر ضربه بسیار محکمی به سازمان القاعده خورده است.

یکی از مقامات سابق بخش ضد تروریسم CIA می‌گوید که حذف این چهار نفر، بازسازی القاعده را تا مدتهای مدید فلج خواهد کرد، چون جایگزین کردن تجربه و سابقه این افراد به آسانی قابل حصول نیست. حال موضوع مهم در این میان آن است که آیا ایران آنها را تحویل خواهد داد و اگر تحویل می‌دهد به چه کشوری و تحت چه شرایطی؟

منابع اطلاعاتی اروپایی می‌گویند که یک کشور اروپایی در حال مذاکره بر سر این موضوع با ایران است، چه برای ایران تحویل مستقیم آنها به آمریکا به دلیل تیرگی روابط دو کشور دشوار است. از طرفی آمریکا ایران را متهم به حمایت از تروریسم می‌کند. ریچارد باوچر، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا هفته پیش گفت که ما همیشه معتقد بودیم اعضای بالای القاعده عملیات خود را از ایران هدایت می‌کنند. او تصریح کرد که اگر ایران واقعا آنها را در بازداشت دارد ولی از آنها حمایت نمی‌کند، باید آنها را به کشوری که در آن مرتکب جنایت شده اند و یا به کشور متبوعشان مسترد دارد.

رژیم جمهوری اسلامی ایران هنوز سرگرم بررسی پرونده اعضای بازداشت شده سازمان القاعده است  
راديو آمریکا - دوشنبه 6 مرداد 1382- 28 ژوئیه 2003

رژیم جمهوری اسلامی ایران می‌گوید هنوز سرگرم بررسی پرونده‌های اعضای بازداشت شده سازمان القاعده است و تا این تحقیقات پایان نگرفته درباره سرنوشت آنها تصمیمی گرفته نخواهد شد. جمهوری اسلامی هفته گذشته نخستین بار اعتراف کرد که اعضای مهم شبکه تروریستی اسامه بن لادن را نگاهداشته است اما هویت آنها را فاش نکرد. مقامات رژیم گزارش‌های پی در پی رسانه‌های خبری را در مورد هویت دو تن از اعضای القاعده در ایران، تکذیب کرده است. گزارش‌ها حاکیست که آن دو تن، ایمن الظواهری، معاون اسامه بن لادن و سلیمان ابوغیث، سخنگوی سازمان تروریستی القاعده هستند. سخنگوی وزارت امور خارجه ایران امروز گفت که بازداشت شدگان یا به کشور موطنشان و یا به کشورهایی که از آنجا به ایران رفته اند مسترد خواهند شد و یا در ایران تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت.

مسئله اخراج و استرداد تروریست‌ها ظاهراً به صورت قضیه پیچیده ای در آمده است زیرا برخی از دولت‌های عرب تابعیت اعضای القاعده را سلب کرده اند. یک خبر دیگر حاکیست که وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی به اتباع ایران هشدار داده است مادمی که آرامش به عراق بازنگشته از زیارت و یا سفر به عراق برای مقاصد دیگر منصرف شوند. گزارش شده است که تعدادی از ایرانیان اخیراً در عراق کشته شده اند

«عربستان سعودی می‌گوید، پلیس این کشور شش "پیکارجوی اسلام‌گرا" را در جریان تیراندازی در منطقه‌ی فصیم، در شمال این کشور، به قتل رسانده‌اند.»  
دوشنبه 6 مرداد 1382- 28 ژوئیه 2003

به گزارش ایسنا، از بی.بی.سی، «وزارت کشور عربستان اعلام کرده است که وقتی پلیس، مزرعه‌ی که به آن‌ها گفته شده بود مردان تحت تعقیب در آن پنهان شده‌اند، محاصره کرد، دو افسر نیز کشته شدند.

وزارت کشور عربستان افزود: از مظنونان خواسته شد خود را تسلیم کنند؛ اما آن‌ها با گشودن آتش به درخواست پلیس پاسخ دادند.

پلیس عربستان سعودی می‌گوید: در این عملیات همچنین چندین پیکارجوی دیگر را دستگیر و مقادیر قابل توجهی جنگ افزار و مواد انفجاری کشف کرده است.

مقامات عربستان سعودی دو ماه قبل دست به یک عملیات امنیتی گسترده بر علیه پیکارجویان اسلام‌گرا زدند.

این عملیات پس از انفجارهای انتحاری ماه مه ریاض که طی آن بیش از 30 نفر کشته شدند، صورت گرفت.

در ادامه‌ی این گزارش آمده است که سعودی‌ها و دیپلمات‌های غربی در محافل خصوصی، احتمال یک حمله‌ی انتحاری دیگر مشابه حمله ماه مه را رد نمی‌کنند. انتهای پیام

## رویدادهای عراق، دولت آینده و نیروهای موثر در آینده عراق

برای تعیین وزرای کابینه: شورای حکومتی عراق تشکیل جلسه داد  
دوشنبه 6 مرداد 1382- 28 ژوئیه 2003

خبرگزاری فارس: با افزایش حملات ضد آمریکایی در عراق، شورای حکومتی عراق برای تصمیم‌گیری درباره رییس جمهوری و وزرای مهم دولت، تشکیل جلسه داد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از بغداد "آباد علاوی" از اعضای شورای حکومتی عراق گفت امروز اسامی وزرای احتمالی را بررسی می‌کنیم اما درباره انتخاب آنها هیچ اعلامی صورت نخواهد گرفت. علاوی هم چنین ادعای یک دیپلمات غربی را که ائتلاف نیروهای خارجی در عراق فهرستی را از نامزدهای مناسب

پست‌های وزارتی به شورای حکومتی عراق اعلام کرده است، تکذیب کرد. بسیاری از محافل عراقی می‌گویند شورای حکومتی عراق، آلت دست آمریکا است.

این در حالی است که در دو روز گذشته پنج نظامی آمریکایی در عراق کشته شده اند. دو نظامی آمریکایی نیز روز دوشنبه در مرکز بغداد بر اثر انفجار نارنجک زخمی شدند.

خبرگزاری فرانسه می‌افزاید از زمان اعلام بوش مبنی بر پایان جنگ عراق در اول می تاکنون، ماه ژوئیه خونین‌ترین ماه برای نظامیان آمریکایی در عراق بوده است. در این مدت 49 نظامی آمریکایی کشته شده اند. انتهای پیام /

نخستین شماره‌ی هفته‌نامه‌ی جدید "الصحاف" در بغداد شنبه‌ی گذشته منتشر شد.  
دوشنبه 6 مرداد 1382- 28 ژوئیه 2003

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) به نقل از پایگاه اینترنتی الشرق الاوسط، یکی از مسوولان این هفته‌نامه جدید درباره انتخاب نام این هفته‌نامه گفت که انتخاب نام آن براساس پدیده‌ی اطلاع‌رسانی بوده است که از سوی وزیر سابق اطلاع‌رسانی عراق ایجاد شد.

هفته‌نامه الصحاف رتبه صد و شصت و یکم را در بین روزنامه‌های عراق بعد از نهم آوریل گذشته و سقوط رژیم صدام کسب کرده است.

مؤید نعمه عبدالرزاق، رییس تحریریه این هفته‌نامه اظهار داشت که در انتخاب نام این هفته‌نامه از خانواده محمد سعید الصحاف، وزیر سابق اطلاع‌رسانی عراق اجازه نگرفته است. انتهای پیام

## فعالیت روزافزون تروریست‌های خارجی در عراق

راديو آلمان - دوشنبه 6 مرداد 1382- 28 ژوئیه 2003

طبق ارزیابی ژنرال ریکاردو سانچز، فرمانده نیروهای نظامی آمریکایی مستقر در عراق، افراطگرایان خارجی نیز در خاک عراق علیه ارتش ایالات متحده فعالیت دارند. وی در گفتگویی با شبکه خبری سی ان ان متذکر شد که عراق چون آهنربایی است که هر روز، بیش از پیش، تروریست‌های خارجی را به

خود جذب میکند، چون خاک این کشور مکان و موقعیت خوبی برای حمله به سربازان آمریکائی بدست میدهد.

ژنرال سانچز درباره اینکه تروریستها تابع چه کشوری هستند و یا از سوی چه دولتهائی پشتیبانی میشوند، سخنی نگفت، اما خاطرنشان ساخت: "درگیریهائی که نیروهای زمینی ارتش آمریکا در عراق با آن مواجه هستند، بسیار گوناگون است و از منابع مختلفی سرچشمه میگیرد. ما با جبهه های متفاوتی درگیر هستیم، با قشر رهبری رژیم سابق عراق، با افراد بزهکار و حتی با آدمکشانی حرفه ای که هر روز، سربازان ما را مورد حمله قرار میدهند." ناگفته نماند که واشنگتن تا کنون، تنها هواداران صدام حسین را عاملان اصلی سوقصدها به سربازان آمریکائی میدانست.

از تاریخ اول ماه مه تا کنون، یعنی از زمانی که جرج دبلیو بوش، رئیس جمهور ایالات متحده، پایان جنگ عراق را رسماً اعلام کرده بود، ۴۹ سرباز آمریکائی مستقر در این کشور، قربانی سوقصدهای گوناگون شده اند.

در این بین Richard Meyers، رئیس ستاد کل ارتش آمریکا، ابراز خوشبینی کرده است که پس از مرگ عدى و قصى، دو پسر صدام حسین، خود وی نیز بزودی بازداشت خواهد شد. وی در اینباره اظهار داشت، شمار کسانی که در این راستا، اطلاعات لازم را در اختیار ما قرار میدهند، روز به روز بیشتر میشود و اگر صدام واقعا هنوز زنده باشد، دیر یا زود به دام نیروهای آمریکائی خواهد افتاد.

سربازان آمریکائی روز گذشته در پی پخش شایعاتی، به خانه ای هجوم آوردند که گفته میشود، صدام و یا دیگر نزدیکانش در آن مخفی شده اند. در جریان عملیات گروه ویژه نیروهای ارتش آمریکا، پنج تن کشته و دست کم هشت نفر زخمی شده اند. خبرگزاری رویترز به نقل از يك پلیس عراقی گزارش داد که سربازان آمریکائی در حین رفتن به خانه ویلائی مذکور، به سوی سرنشینان چندین اتومبیل تیراندازی کردند. به گفته صاحب این خانه ویلائی، سربازان بطور ناگهانی به منزل و ملک او هجوم آورده و آن را ویران کردند. این درحالیست که به گزارش صدای آمریکا، نیروهای این واحد ویژه، دو اتومبیل مظنون را در نزدیکی این ویلا مورد تیراندازی قرار داده اند. حال گفته میشود که صدام در حال گریز بوده و احتمالاً در مناطق حومه زادگاه هاشم تکریت مخفی شده است

#### پاچه چي به آمريکا هشدار داد دوشنبه 6 مرداد 1382- 28 ژوئيه 2003

خبرگزارى فارس: «عدنان پاچه چي» عضو شوراي 25 نفره عراق روز گذشته ضمن هشدار به حضور نيروهاي آمريکايي در عراق تا سال 2004 گفت: اگر آمريکا ارتش خود را تا سال 2004 در عراق نگهدارد، اين مساله مشکلاتي را براي انتخاب مجدد بوش فراهم مي کند.

به گزارش روزنامه «اسکاتلند آن ساندي»، «عدنان پاچه چي» در مصاحبه روز گذشته با اين روزنامه همچنين در خصوص مرگ «عدي» و «قصي» پسران صدام رئيس جمهور سابق عراق خاطرنشان کرد: رژيم سابق بر اساس يك سازمان خانوادگي حامي صدام استوار بود و کشته شدن پسران صدام به معنای قطع کردن این سازمان است ولي باید ترجیح می دادیم که آنها دستگیر شوند. وي تصريح کرد: کشته شدن آنها گزینه ترجیحی ما نبود.

پاچه چي در این خصوص افزود: شوراي ما خواستار دادگاه خودمان براي محاکمه اعضا و حاميان رژيم سابق عراق است.

این عضو شوراي 25 نفره عراق قبلا در خصوص اعلام 9 آوريل بعنوان روز تعطيل ملي عراق ابراز تاسف کرده بود و در این باره گفت: اشغال عراق در 20 مارس آغاز شد نه در 9 آوريل و این يك روز ملي براي اشغال نیست، بلکه این روز، روز ملي براي سقوط رژيم عراق است.

وي تصريح کرد: ما نیازمند قانون براي اعلام اين روز ملي هستیم.

عدنان پاچه چي همچنین با تاکید بر نقش سازمان ملل در امور عراق گفت: از همان ابتدا من خواستار نقش مرکزي سازمان ملل در امور عراق بودم.

وي افزود: فورا بعد از فروپاشي رژيم صدام من گفتم که «کوفي عنان» دبیر کل سازمان ملل بایستی يك نماینده مخصوص براي نظارت بر کلیه روندها منصوب می کرد، اما متأسفانه این اتفاق نیفتاد و ما با وضعیت کنونی در عراق روبرو شده ایم.

این عضو شوراي 25 نفره عراق کاندیداي مورد علاقه وزارت امور خارجه آمریکا، امیدوار است تا بتواند بعنوان نخست وزیر عراق انتخاب شود.

عدنان پاچه چي که در حال حاضر 80 ساله است در دولت پیش از صدام، وزیر امور خارجه عراق بود که براي مدت 30 سال در ابوظبي زندگی می کرد. انتهای پیام/

#### فرار صدام از جنگ نيروهاي آمريکايي دوشنبه 6 مرداد 1382- 28 ژوئيه 2003

خبرگزارى فارس: مقام هاي نظامي آمريکا و ساکنان شهر تکريت از فرار صدام حسين رئيس جمهور سابق عراق از جنگ نيروهاي آمريکايي در اين شهر خبر مي دهند.

به گزارش روزنامه الشرق الاوسط چاپ لندن، نيروهاي آمريکايي بعد از دريافت اطلاعاتي مبني بر اينکه صدام حسين در منزلي در يکي از حومه هاي شهر تکريت به سر مي برد به آنجا حمله کردند ولي متوجه شدند که وي 24 ساعت قبل اين مکان را ترک کرده است .

کولنل استیف راسل که فرماندهی تیپ چهارم نیروهای پیاده نظام آمریکا را به عهده دارد تاکید کرد که نیروهای تحت فرماندهی وی که در شهر تکریت استقرار یافتند، نتوانستند صدام حسین را دستگیر کنند و صدام توانسته بود 24 ساعت قبل این محل را ترک کند. این در حالی است که نیروهای آمریکایی روز گذشته به طور همزمان قبل از سپیده دم به سه مزارع در این شهر حمله کردند. از سوی دیگر نیروهای آمریکایی روز گذشته به منزلی در محله «منصور» حمله کردند که به دنبال آن پنج غیر نظامی عراقی کشته شدند. جسد پنج کشته به یکی از بیمارستانهای شهر بغداد منتقل شده است. یکی از ساکنان محلی می گوید که این منزل با سلاح های سنگین موشکی و بمب مورد حمله قرار گرفته است. ساکنان محلی می گویند که شایعاتی وجود داشته که این نیروها به جستجوی صدام و برخی از اعضای خانواده وی بوده اند. روز گذشته نیز طی درگیری بین نیروهای آمریکایی با تظاهرکنندگان شهر مقدس کربلا یک عراقی کشته و سه تن نیز زخمی شدند. انتهای پیام /.

**رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا: صدام چنان در حال پیدا کردن راه فرار است که نمی تواند تاثیری بر امنیت عراق بگذارد**

**علی سجادی (رادیو فردا): دوشنبه 6 مرداد 1382- 28 ژوئیه 2003**

ژنرال ریچارد مایرز، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، پس از بازدید از نیروهای آمریکایی از بغداد، اظهار داشت که حملات به نیروهای ائتلاف را صدام حسین سازماندهی نمیکند. وی این مطلب را در یک کنفرانس مطبوعاتی در بغداد بیان داشت. لیلی صدر (رادیو فردا): ژنرال ریچارد مایرز، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، در کنفرانس خبری در بغداد به خبرنگاران گفت: من در این دیدار متوجه عملکرد عالی نیروهای ارتش آمریکا شدم. همچنین متوجه اعتماد به نفسی شده ام که این نیروها در کارشان نشان میدهند، تا این کشور را به محلی امن برای زندگی مردم این کشور تبدیل کنند. نیروهای ما بی واهمه در مقابل حمله های مخالفان می ایستند و وظایفی را که برعهده شان گذاشته شده است، انجام میدهند. سربازان ما اینجاستند تا تغییراتی انجام دهند، هدف آنها نه تنها ایجاد امنیت، بلکه کمک در تشکیل شورای شهرها، پروژه های اقتصادی و کارهای دیگر است. رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا افزود: سخت ترین قسمت مبارزه با صدام در جاهایی بود که نیروهای ما ارتش بعث درگیر شدند. شمال بغداد، تکریت و رمادی، همه میدانند که این شهرها مراکز حیاتی رژیم بعث بود. ارتش ما در این شهرها با موفقیت انجام وظیفه میکند.

ژنرال مایرز در پاسخ به این پرسش خبرنگاری که آیا حمله های کنشنده علیه نیروهای آمریکا پس از کشته شدن عدي وقصي، پسران صدام حسین، حمله های انتقام جویانه است، گفت: نمیتوان یک رویداد را به یک رویداد دیگر ربط داد. در نتیجه من به این نتیجه رسیده ام که پس از قتل این دو، تعداد عراقیهایی که پیش می آیند و اطلاعات در اختیار ما قرار میدهند، بیشتر شده است، ولی هنوز خیلی زود است که بخواهیم علت و معلول را با هم مرتبط کنیم. احتمالاً مرگ عدي وقصي و قضي اثرگذار است و من معتقدم که این اثر مثبت خواهد بود. وی به خبرنگاران گفت: صدام حسین آنچه در حال پیدا کردن راه نجات و فرار است که هیچ تاثیری نمیتواند بر امنیت عراق داشته باشد. او به اندازه ای به فکر نجات دادن جان خود است که نمیتواند با افراد رژیمش ارتباط برقرار کند. ژنرال مایرز در پاسخ به این سؤال که پس اگر صدام حسین عامل حمله به نیروهای آمریکایی نیست، چه کسی مسئول این حملات است، گفت: به طور وضوح تعدادی از مردم به خاطر پول این حملات را انجام میدهند و اگر کسی از افراد ما را بکشند، پول بیشتری میگیرند. برخی نیز از نیروهای ما متنفرند، اما این اشتباه است که حمله ها را ناشی از یک جنبش مرکزی از جانب صدام حسین بدانیم.

**معاون وزیر دفاع آمریکا : عراق کلید جنگ با تروریسم است**  
**دوشنبه 6 مرداد 1382- 28 ژوئیه 2003**

خبرگزاری فارس: «پل ولفوویتز» معاون وزیر دفاع آمریکا روز گذشته با تاکید بر نبرد جاری در عراق آن را «نبرد محوری» دولت بوش پس از 11 سپتامبر 2001 علیه تروریسم خواند. به گزارش واشنگتن پست، ولفوویتز در مورد افزایش شمار مجروحان آمریکایی در عراق گفت: این که ما قصد داریم فرزندان و نوه های ما ایمن تر باقی بمانند یک ایثار است. زیرا نبرد برای پیروزی صلح در عراق حالا به نبرد محوری در جنگ علیه تروریسم تبدیل شده است. وی در مصاحبه با شبکه ان.بی.سی اظهار داشت: افغانستان، جایی که نیروهای آمریکایی هم اکنون در جستجوی اسامه بن لادن و شبکه تروریستی او هستند، میدان نبرد دیگری در جنگ علیه تروریسم است. وقتی که از وی درباره استفاده دولت آمریکا از گزارش سازمان اطلاعاتی در مورد سلاحهای عراق که منجر به جنگ گردید، سوال شد پاسخ داد که «ماهیت اطلاعات در مورد تروریسم ذاتاً مشکوک و تار است.»



ولفوویتز سپس با مرتبط ساختن عراق با حمله 11 سپتامبر به مرکز تجارت جهانی و پنتاگون گفت: گزارش کمیته مشترک کنگره در خصوص اطلاعاتی که روز پنجشنبه منتشر شد به طور ضمنی تأکید می‌کند که «ما باید این نقطه‌ها را به هم مرتبط کنیم.»

وقتی که از سناتور «کارل لوین» درباره اظهارات ولفوویتز سوال شد وی گفت: «پس، قبل از جنگ هم در این مورد تردید وجود داشته است.»

وی افزود: ارتباط روشنی میان القاعده و عراق وجود داشته که ما آن را بیان کرده بودیم. هیچ چیز مشکوک و تار، تفاوت ظریف و دودلی درباره آن وجود نداشته است.

لوین تصریح کرد: مسئله واقعی این است که آیا شواهدی درباره ارتباط القاعده با عراق، سلاح‌های کشتار جمعی و اورانیوم آن کشور وجود دارد یا خیر؛ و یا این که در باره آنها بزرگ‌نمایی شده است؟

سناتور «باب گراهام» رئیس پیشین کمیته اطلاعات سنا و نامزد فعلی دموکرات انتخابات ریاست جمهوری آمریکا انتقاد خود را در این مورد که تصمیم به جنگ علیه عراق واقعاً به جنگ علیه تروریسم آسیب رسانده را تکرار کرد.

وی افزود: این موضوع (جنگ عراق) تمرکز ما را از یک دشمن به نام القاعده به سوی عراق متوجه ساخته که در نتیجه به القاعده مجدداً اجازه تجدید حیات داده است.

در ادامه ولفوویتز اظهار داشت: ما به جنگ مبادرت کردیم و من معتقدم که هنوز باید با تروریستها و حامیان آن در عراق در نبردی که این کشور را در آینده از تروریسم ایمن سازد ادامه دهیم. انتهای پیام/

## شیعیان و آینده عراق - حکومت عرفی یا مذهبی

محسن حکیم: هیچ فرد عراقی در هیچ سندی حق وتوی بر مر را قبول نکرده است  
دوشنبه 6 مرداد 1382 - 28 ژوئیه 2003

یکی از نزدیکان به مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق گفت: در حال حاضر وحدت بین شیعیان در عراق در سطح بسیار خوبی است و وجود برخی اختلاف دیدگاه‌ها نیز لازمی جامعه‌ای با نشاط و مردم سالار است.

سیدمحسن حکیم، از نزدیکان به مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در گفت‌وگو با خبرنگاری دانشجویان ایران تأکید کرد: دشمنان ملت عراق درصدد هستند تا با دروغ‌سازی علیه هسته‌های دوست عراق این گونه اختلاف نظر را نوعی انشقاق تصویر کنند؛ تا جو فعلی را به چالش بکشند. وی در خصوص مباحث مطرح شده درباره سپاه بدر و این که این سپاه نماینده‌ی ملت عراق نیست؛ تصریح کرد: سپاه بدر کاملاً عراقی است و در زمان حاکمیت حزب بعث عملیات زیادی از جمله ترور عدی در سال 1995 را ترتیب داده است.

حکیم از جمله دلایل عراقی بودن سپاه بدر را در مدفون بودن برخی اعضای این سپاه در عراق یا دستگیر شدنشان در زمان حاکمیت بعث دانست و افزود: سپاه بدر غیر از اعضای شیعه نمایندگانی از سایر هسته‌ها مانند اهل سنت، ترکمن‌ها یا اعراب دارد و این نشان می‌دهد سپاه بدر تا چه حد نماینده‌ی مردم عراق است.

وی اخباری مبنی بر این که احتمال دارد به دلیل اختلافات بین شیعیان حاکمیت از این گروه به گروه دیگری در عراق منتقل شود، تصریح کرد: این اخبار در راستای جنگ روانی علیه شیعیان برنامه‌ریزی شده است و ما خواهان ایجاد حق برابر برای شیعیان هستیم و نمی‌خواهیم در این میان هیچ تبعیضی به وجود آید اما باید توجه داشت که شیعیان در عراق در اکثریت مطلق هستند.

حکیم ادامه داد: برخی از تندروها نمی‌خواهند این امر را قبول کنند، بعثی‌ها نیز در این راستا گام بر می‌دارند و هم‌چنین برخی ناصبی‌ها که دشمنان اسلام هستند؛ نیز می‌خواهند شیعیان از حکومت بر کنار شوند.

حکیم گفت: برخی کشورهای همسایه‌ی عراق نیز به این مطلب دامن می‌زنند و عناصر اشغال‌گر نیز که نمی‌خواهند وحدت ملی در عراق به وجود بیاید به بزرگ‌نمایی این گونه اخبار می‌پردازند. وی اصل وحدت را اصل راهبردی برای عراقی‌ها دانست و آن را مطابق با اصول قرآنی و روایات ائمه دانست.

حکیم از آمریکایی جلوه دادن شورای حکومت انتقالی عراق از سوی برخی رسانه‌های داخلی انتقاد کرد و گفت: این شرایطی است که براساس قوانین بین‌المللی مورد تصویب برخی کشورهای عربی و مسلمان در شورای امنیت سازمان ملل برای ما به جود آمده است.

حکیم ادامه داد: ما براساس قوانین بین‌المللی و قطعنامه‌ی ظالمانه‌ی 1483 در شرایط خاصی به سر می‌بریم و به همین دلیل شورای حکومت انتقالی باید براساس واقعیت‌های موجود و امکاناتش امور را به پیش ببرد و تمام تلاشش را برای اجرای تکالیفش به کار خواهد گرفت.

حکیم در پایان تأکید کرد: هیچ فرد عراقی در هیچ سندی حق وتوی بر مر را قبول نکرده است بلکه این حق وتو از سوی شورای امنیت و قطعنامه‌ی صادر شده به بر مر داده شده است این حقی است که برخی کشورهای اسلامی عضو شورای امنیت نیز آن را تصویب کرده‌اند. ما همیشه به حق وتو اعتراض داریم. انتهای پیام

## تحلیل اوضاع ایران و عراق در رسانه های جمعی

روزنامه های تهران: 6 مرداد

بی بی سی - دوشنبه 6 مرداد 1382 - 28 ژوئیه 2003

یک هفته پس از صدور اطلاعیه اتحادیه اروپا علیه سیاست های جمهوری اسلامی و لغو سفر رییس جمهور خاتمی به بلژیک روزنامه های دوشنبه تهران در مقالاتی پیرامون سیاست خارجی ایران به اظهار نظرهای مختلفی در این باره پرداخته اند.

یاس نو در مقاله ای با عنوان "باید تغییر کنیم" به شرایط داخلی و خارجی کشور اشاره کرده و نوشته اگر می خواهیم بازنده نشویم باید سیاست های خود را تغییر دهیم و اگر نخواهیم خود دست به این کار بزنیم شرایط جهانی ما را تغییر خواهد داد.

حاصل داسه، نماینده مجلس، که این مقاله را به عنوان نطق قبل از دستور ایراد کرده است در آن گفته اگر ما نتوانیم در داخل کشور آترناتیوی برای شرایط جدید انتخاب کنیم آمریکا و همپیمانانش آترناتیو مورد نظر خود را به ما تحمیل خواهند کرد.

رسالت مقاله ای دارد که با اشاره به واکنش تند اتحادیه در قبال سیاست های داخلی و خارجی کشور در آن نوشته شده که باید به سرعت و تا دیر نشده نقشه منافع جهانی خود را دوباره ترسیم کنیم. امیر محبیان نویسنده این مقاله با اشاره به فرمول جدیدی که اروپا برای برخورد با ایران انتخاب کرده است نوشته اروپا زیرکانه و با هدایت آمریکا دارد ایران را به درون دالان باریکی می کشاند که دیپلماسی ایران برای خروج از آن گرفتار تناقص است.

رسالت بدون اشاره مستقیم به لزوم تجدید روابط با آمریکا نوشته است قواعد فعلی دیپلماسی قواعد مقدسی نیست که امکان تجدید نظر نداشته باشد آن چه مهم است حفظ استقلال و موقعیت برتر کشور است.

انتخاب نظرعلالدین بروجردی، نماینده محافظه کار مجلس، را منعکس کرده که گفته است اروپا هیچ کمک ویژه ای به ما نکرده است که اکنون ما را به قطع روابط تهدید می کند و این تهدیدها بار اول نیست و نباید جدی گرفته شود.

آفتاب یزد در مقاله ای از مسوولان کشور خواسته هشدار سه روز پیش رییس مجلس را جدی بگیرند که گفته بود آمریکا دوستان جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار داده چنان که هنوز از شوک پیش شرط های اتحادیه اروپا بیرون نیامده خبر رسیده است که آمریکا می خواهد به هر ترتیبی که هست بعد از اروپا و روسیه، چین را هم از همکاری با ایران منصرف کند.

علی شیرازی نسب نویسنده آفتاب یزد علاوه بر آن خواستار پیوستن ایران به پروتکل الحاقی انرژی هسته ای شده نوشته مجلس با پشتوانه قوی مردمی که دارد باید راه را برای هموار کردن همکاری ایران با کشورهای دیگر هموار کند.

نویسنده آفتاب یزد با اشاره از جناح محافظه کار خواسته است که از تضعیف مجلس در این موقعیت حساس خودداری کند و اجازه دهد که تصمیم گیری های مهم و ابتکار عمل به دست منتخبین مردم صورت گیرد.

همزمان با تهدیدهای اروپا به قطع روابط با ایران و سرد شدن روابط ایران و روسیه، روزنامه ایران خبر داده است که دولت ایران سفارش ماهواره زهره را لغو کرد و به کار کمیته ای که اجرای قرارداد در دستور کار خود داشت پایان داد تا اجرای این پروژه به صورت سرمایه گذاری مشترک در دستور قرار گیرد.

ماهواره زهره آخرین گام از کوشش هائی است که از سی سال پیش برای در اختیار داشتن ماهواره ای مستقل در امور مخابراتی توسط دولت ایران به کار گرفته شد و بعد از انصراف از آمریکا و کشورهای اروپا از دو سال پیش روسیه طرف قراردادی برای فرستادن ماهواره مخابراتی ایران به فضا شد. ایران در صدر اخبار خود خبر داده که به تصمیم هیات دولت کمیسیون های مشترک اقتصادی ایران به 19 کشور جهان منحل شده است.

کشورهای مهمی که در این فهرست قرار دارند عبارتند از فرانسه، بلژیک، چک، فنلاند، جمهوری ایرلند، کره شمالی، نروژ و مکزیک و در عین حال به نوشته روزنامه ایران روسای کمیسیون های اقتصادی 16 کشور دیگر تغییر کرده اند.

در ادامه بحث و گفتگو بر سر مرگ زهرا کاظمی و به دنباله چاپ نامه محسن آرمین در کیهان یکتشنبه که اطلاعات تازه ای را در مورد دست داشتن سعید مرتضوی در ماجرا و پنهان کاری های بعد از مرگ این خبرنگار در آن بود روزنامه های تهران به بحث درباره این حادثه و پی آمدهای آن ادامه داده اند.

احمد شیرزاد در مقاله ای در یاس نو به احتمال هائی اشاره کرده است که "در آن سوی دیوار" و در درون زندان بر سر کسی مانند زهرا کاظمی ها آمده باشد، جائی که کسی مدرک و سندی برای اثبات آن چه دیده است ندارد.

نماینده اصلاح طلب اصفهان در مقاله خود در یاس نو با بررسی وضعیت زهرا کاظمی بعد از دستگیریش نوشته شاید این جسد بازگو کننده اتفاقاتی باشد که آدم های زنده و زبان دار قادر به گفتن آن نباشند که چه می گذرد پشت آن دیوارهای بلند.

آفتاب یزد در مقاله ای به بررسی اتهاماتی پرداخته که رسانه های وابسته به محافظه کاران به زهرا کاظمی وارد می کنند و به آن ها توجه داده که با این تبلیغات و انتشار اخبار عجیب مردم را به روند رسیدگی به پرونده این مرگ بی اعتماد می کنند.

به دنبال اتهام جاسوسی به زهرا کاظمی توسط روزنامه های وابسته به محافظه کاران رسالت شنبه به نقل از یک سایت اینترنتی خبر داده بود زهرا کاظمی جاسوس و همکار مجاهدین خلق بوده که توسط یکی از اعضای جناح اصلاح طلب از تعقیب مصون مانده است. آفتاب یزد ضمن اشاره به احتمال های خنده آوری که محافظه کاران در این دو هفته در مورد زهرا کاظمی مطرح کرده اند نوشته اصلاح طلبان اگر در نیروهای انتظامی و قوه قضاییه این توان را دارند که جاسوسی را از مجازات معاف کنند چرا هر روز یکی از آن ها به اتهامی به محاکم مختلف دادگستری احضار می شود.

کیهان در مقاله ای که به عنوان نامه یک خبرنگار به محسن آرمین نوشته شده به این نماینده مجلس یادآوری کرده که در همه سیستم های امنیتی دنیا از این گونه اتفاقات می افتد و آن ها کسانی را روزانه گم و گور می کنند ولی کسی از مقامات کشور به افشای آن نمی پردازد. نویسنده نامه به محسن آرمین که چند بار در نامه خود به سابقه کار او در دستگاه های امنیتی اشاره کرده نوشته اتحادیه اروپا البته آن قدر ساده نیست که به خط دهی شما توجهی کند اما کسی که ذره ای عرق ملی داشته باشد چنین نمی کند. محسن آرمین نماینده تهران اولین کسی بود که هفته گذشته در مجلس نام از سعید مرتضوی آورد و با بازکردن بخش هایی از پرونده زهرا کاظمی به بی قانونی هایی اشاره کرده که توسط وی در مورد دستگیری و بازداشت ها اعمال شده است. در حالی که دادستان تهران سعید مرتضوی به خاطر مرگ زهرا کاظمی زیر فشار و در معرض انتقادات کیهان در عنوان بزرگ صفحه اول خود خبر داده که دو شرکت که میلیاردها کلاهبرداری کرده اند توسط دادستانی تهران کشف شده اند.

متن خبر روزنامه کیهان نشان می دهد که یک سرهنگ نیروهای مسلح زیر عنوان "نهنگ امین خلیج فارس" و فرد دیگری با عنوان "جهیزیه سبز" از مردم با پرداخت سندهای کلان سرمایه های مردم را جذب کرده اند و چون نتوانسته اند آن را ادامه دهند با شکایت صدها نفر روبرو شده اند.

به نوشته نسیم صبا مجید انصاری، نماینده مجلس، شایعه تشکیل جلسه ای بین دو تشکل سیاسی روحانیون، مجمع روحانیون و جامعه روحانیت را تکذیب کرده و گفته است که مجمع به کوشش های خود برای رایزنی و ائتلاف با گروه های اصلاح طلب موسوم به دوم خرداد ادامه می دهد. اهمیت توضیح رییس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس از آن روست که روز یکشنبه کیهان در سرمقاله خود از نزدیکی عقلائی دو جناح سیاسی کشور خبر داده و بشارت داده بود که مجمع روحانیت مبارز با کنار گذاشتن جبهه مشارکت و اعضای فعال جناح اصلاح طلب با جامعه روحانیت به گفتگوهای مشغول شده است.

به دنبال گزارش روز یکشنبه کیهان از مجادله رییس مجلس با یکی از نمایندگان اصلاح طلب بر سر نحوه اداره جلسه، روزنامه های رسالت و سیاست روز این ماجرا را با عکسی از مهدی کروبی و تیتراژ "مجلس حزب نیست" در صدر اخبار خود آورده اند.

به نوشته رسالت در جلسه علنی مجلس مهدی کروبی گفته است مجلس، حزب مشارکت نیست که آقای محمدرضا خاتمی آن را یکشنبه خلق کرده باشد.

آفتاب یزد با عنوان سوء استفاده نکنید خبری نیست نوشته رییس مجلس وقتی بعد از جلسه یکشنبه با اصرار خبرنگاران روزنامه های محافظه کار روبرو شد که از وی اظهار نظر بیش تری می خواستند گفت از این اتفاق های در جلسات مجلس زیاد پیش می آید.

کیهان در سرمقاله خود مجادله رییس مجلس و علی شکوری را به معنای قطعی شدن انشعاب در جبهه اصلاح طلبان دیده و نوشته این ائتلاف ناچسب از ابتدا به زیان مردم بود.

روزنامه ایران از هشدار نیروهای انتظامی در خصوص سوء استفاده از فیلم های خصوصی خانوادگی و فروش آن ها به صورت غیرقانونی و مخفی خبر داده است.

در سال های گذشته بارها به جنجالی که روزنامه های تندرو بر انگیختند برخی از چهره های مشهور هنری و ورزشی به خاطر وجود فیلم هایی که آن ها را در میهمانی های خصوصی در حال رقص و آواز نشان می داد چند تنی از آنان به محاکمه کشیده شدند و از فعالیت های خود محروم مانند ولی در ماه های اخیر خبر می رسد که این قبیل فیلم ها از راه هایی که نشناخته مانده با بازار قاچاق راه یافته است

## جهان پس از جنگ

مداخله آزادیخواهانه: لباس تازه امپریالیسم؟

میزگرد در کلیسای سنت لئونارد در شوردریچ لندن برگزار شد

مهدی جامی- بی بی سی - دوشنبه 6 مرداد 1382- 28 ژوئیه 2003

آیا مداخله آزادیخواهانه لباس تازه ای بر تن امپریالیسم کهنه است؟ این پرسش موضوع میزگردی بود در کلیسای محله شوردریچ لندن که به همت یک گروه مطالعاتی مستقل به نام "مرکز سیاست خارجی" و مشارکت مجله سیاسی-تحلیلی "پراسپکت" برگزار شد.

مدیریت این میزگرد با مایکل پورتیلو چهره شناخته شده حزب محافظه کار بود که زمانی بحث از انتخاب او به رهبری حزب مطرح بود و سایر شرکت کنندگان نیز با دقت انتخاب شده بودند تا مجموعه از تعادل لازم برخوردار باشد؛ فیلیپ بابت، حقوقدان و مدیر اطلاعاتی شورای امنیت ملی آمریکا در دوره کلینتون؛ رابرت کوپر، مدیر روابط خارجی و سیاسی-نظامی اتحادیه اروپا؛ نعمان مونا، رئیس انجمنی عراقی به نام الامل؛ دو نماینده از رسانه ها یکی مایکل گوو از روزنامه تایمز و دیگری خانم لیندسی هیلسام خبرنگار دیپلماتیک کانال 4 بریتانیا و سرانجام مارک لئونارد مدیر مرکز سیاست خارجی.

آمریکا، عراق، دموکراسی و امپریالیسم از محورهای عمده بحث ها بود که از اشاره به ایران و افغانستان نیز خالی نبود. اولین سوالی که مطرح شد بحث صدور دموکراسی و رابطه آن با امپریالیسم بود. رابرت کوپر گفت: من فکر نمی کنم که بتوان هم امپریالیست بود و هم آزادیخواه و لیبرال چرا که مدیریت یک امپراتوری مستلزم کنترل است. لیبرال امپریالیسم تنها معنای محصولی که می تواند داشت این است که شما عضو حزب لیبرال باشید و امپریالیست هم باشید! اما آیا آمریکا امپریالیست است؟ به نظر رابرت کوپر از نظر تاریخی آمریکا کشوری ضد امپریالیسم بوده است؛ می بینید که آمریکا ایجاد شد تا از امپریالیسم بریتانیا بگریزد و رفتار تاریخی این کشور هم معمولاً در این جهت بوده که بساط امپراتوری های دیگر را برچیند. به اعتقاد کوپر، آمریکا حتی علاقه ای هم به ایجاد امپراتوری ندارد بلکه به دنبال هژمونی (سلطه، برتری طلبی) است. فرق این دو در آن است که هژمونی تمایل به آن دارد که سیاست خارجی کشورهای دیگر را کنترل کند ولی امپراتوری می خواهد که سیاست داخلی را کنترل کند. امپراتوری به دنبال تغییر قوانین و نظام حکومتی است اما هژمونی اداره سیاستمداران نابکار است ولی با این وجود تاریخ نبرنگ های خود را دارد و آمریکا ممکن است در این جهت تازه حرکت کند که به یک امپریالیست تبدیل شود.

مارک لئونارد از سوی دیگر معتقد بود که بسیاری از مردم آمریکا مایل اند که کشورشان را بمثابه یک امپراتوری ببینند. مطبوعات آمریکایی در یکی دو سال اخیر توجه ویژه ای پیدا کرده اند به تاریخ امپریالیسم و چهره هایی مثل چرچیل. به نظر او ایدئولوژی جدید در آمریکا به دنبال تاسیس قرن آمریکای نو است. اما سیاست های یکجانبه گرا اعتبار آمریکا را از بین می برد. او ابراز خوش بینی می کرد که در این دو سال اخیر ما در حال وارد شدن به یک مرحله تازه هستیم. هر چند که یک سویه این افکار برای مبارزه با تروریسم و کشورهای یاغی که منافع آمریکا را به خطر می اندازند آمریکای مهاجم و ستیزه جو را تبلیغ می کند که یکجانبه باید عمل کند، سویه دیگر آمریکا را به طرف دیالوگ و چند جانبه گرای سوق می دهد.

به اعتقاد او، در عمل هم می بینیم که اکنون در عراق و افغانستان آمریکا از کشورهای دیگر کمک می خواهد و یا در مقابل ایران بردباری به خرج می دهد چنانکه با کره شمالی از در گفتگو در می آید. این می تواند ما را به سمتی سوق دهد که نه امپریالیسم که نوعی جهانگرایی لیبرال است. به نظر مارک لئونارد، در چنین چارچوبی اتحادیه اروپا نیز می تواند با آمریکا مشارکت کند. اما او گفت که خود می داند که این دیدگاهی خوش بینانه است.

#### مداخله در عراق: موفقیت و مشروعیت

یکی دیگر از مباحث میزگرد میزان توفیق آمریکا در سیاست این کشور در قبال عراق را به پرسش می گذاشت. نعمان مونا عملیات آمریکا را در عراق از نظر نظامی موفق خواند چرا که این عملیات سریع بود و خسارات و تلفات انسانی آن کمتر از پیش بینی اولیه بود. اما او گفت که بسیاری از مردم عراق با وجود احساس خلاص شدن از دست رژیم صدام حسین امروز مواجه با هرج و مرج و ناامنی هستند و خرابکاری، آمریکایی ها به نظر او نتوانسته اند با این وضعیت بخوبی مقابله کنند. راه چاره از نظر نعمان مونا تقویت شورای جدیداً انتخاب شده عراق است تا در اداره کشور نقش پیشگام و اصلی را برعهده بگیرد. اینکه آمریکا تا کی با حملات چریکی روبرو خواهد بود هم از دید او بستگی به این دارد که با چه سرعتی یک حکومت عراقی روی کار می آید و چه زمانی وضع برق و آب و بیمارستان ها بهبود خواهد یافت و زندگی به روال عادی برخواهد گشت.

مایکل گوو از روزنامه تایمز در اشاره به مقاومت هایی که در مقابل آمریکا در عراق صورت می گیرد، معتقد بود کسانی که امروز در عراق با آمریکا می جنگند کسانی هستند که می دانند سرنوشت آنها با رژیم قبلی پیوند خورده است و چاره ای جز جنگیدن ندارند. اما لیندسی هیلسام خبرنگار دیپلماتیک کانال چهار بریتانیا گفت که نباید تاثیر اجتماعی این مقاومت ها را دست کم گرفت چرا که امروز در عراق کسی برای سربازان آمریکایی که در حملات چریکی کشته می شوند احساس تاسف نمی کند. مردم عراق به نظر او احساس می کنند کشورشان اشغال شده و آنها تحت استعمار قرار گرفته اند. مایکل گوو همچنین در بیان تاثیرات منطقه ای حمله به عراق، به ایران و سوریه اشاره کرد و گفت تاثیر این حمله بر این دو کشور تا اینجا مثبت بوده است و آنها را در حمایت از تروریسم محتاط تر کرده است. تاثیر آن بر صلح خاورمیانه نیز فاطع بوده است چراکه به نظر او تلاش های صلح کنونی و چشم انداز رسیدن به یک صلح همه جانبه بدون ساقط کردن رژیم صدام حسین ممکن نمی بود. نویسنده روزنامه تایمز گفت که ما باید نقشه خاورمیانه را دوباره ترسیم کنیم. کشور فلسطین در این نقشه تازه جای خواهد داشت. با اینهمه او گفت که زمینه های دیگری هم برای ترسیم مجدد نقشه

وجود دارد به گونه ای که بر ارزش هایی مثل آزادی تاکید صورت گیرد. به گفته او چنین ارزش هایی که امروز جهانی شده اند با چنین تغییراتی بخت ریشه دار شدن در منطقه را پیدا می کنند. او گفت در بحث از موفق بودن یا نبودن حمله به عراق هم باید به این نکته توجه کرد که اگر این اقدام صورت نمی گرفت چه اتفاقی می افتاد. گسترش شمار و نفوذ کشورهای یاعی و بن بست در صلح اسرائیل و خاورمیانه و تسلط افراطیون در ایران و سوریه از مسائلی بود که او در این زمینه برشمرد. مایکل گوو که بر پایه قساوت رژیم صدام حسین به حمله آمریکا مشروعیت می بخشید در پاسخ به این سوال که آیا هر نوع حمله پیشگیرانه یا بازدارنده ای را در قبال رژیم های مشابه نیز مشروع می داند گفت در هر مورد که این حملات قرار است صورت گیرد جداگانه باید بحث کرد اما یک نکته مسلم است و آن اینکه اگر نظام های سیاسی با تکیه بر اصل حاکمیت خود فکر کنند می توانند هر طور خواستند با شهروندان خود رفتار کنند اشتباه کرده اند چرا که دوره چنین تفکری به سر آمده است. لیندسی هیلسام در ادامه بحث گفت که از این نکته در تاثیر ماجرای عراق بر ایران نباید فراموش کرد که ایران از این ماجرا آموخته است تا هر چه زودتر به قدرت هسته ای دست یابد چرا که در آینده ممکن است به سراغش بروند. ایران داشتن چنین قدرتی را یک عامل بازدارنده تلقی می کند. مساله عراق بدون توجه به سایر کشورهای منطقه تصویر کاملی پیدا نمی کند بخصوص عربستان که پس از 11 سپتامبر اعتماد آمریکا را از دست داد. لیندسی هیلسام در اشاره به عربستان گفت گرچه مساله عراق از این جهت که دخالتی در ماجرای 11 سپتامبر نداشت ربطی به این حادثه پیدا نمی کند اما از آن جهت که آمریکا دیگر به عربستان اعتماد گذشته را ندارد همه گونه ربطی را داراست.

### دموکراسی درونی یا صادراتی؟

یکی دیگر از مباحث این میز گرد رابطه مداخله جویی با گسترش دموکراسی بود. به نظر رابرت کوپر در کشوری مثل افغانستان نمی توان مدل دموکراسی فرانسوی یا بریتانیایی داشت اما می توان به وضع بهتری از آنچه بوده یا هست رسید. گرچه او می پذیرفت که در حال حاضر وضع خیلی خوب نیست. با اینهمه او مطمئن بود که دموکراسی نمی تواند با نیروی خارجی به یک کشور وارد شود. اما در مقابل مایکل گوو به تفاوت کشورها اشاره کرد و از جمله توجه حضار را به نقش دموکراسی ساز آمریکا در آلمان و ژاپن جلب کرد.

اما رابرت کوپر توضیح داد که نباید این را هم فراموش کرد که دموکراسی در آلمان پس از پیروزی نیروهای متفقین وارد نشد و پیش از آن در این کشور ریشه داشت چنانکه در ژاپن هم اصلاحات اجتماعی و آزادیخواهی به دوره قبل از جنگ جهانی بر می گردد. بعلاوه، او گفت که در شماری از کشورها نقش کاپیتالیسم بیشتر از نیروی قهریه در اصلاحات دموکراتیک موثر بوده و هست. در بسیاری از کشورها اکنون سرمایه گذاری خارجی منوط به یک سری از اصلاحات است چرا که کسی نمی خواهد در جایی سرمایه گذاری کند که به قوانین آن و نظام اداری و سیاسی آن و حاکمیت قانون در آن اعتماد ندارد. در بحث از نمونه های تازه مداخله و امکان تاسیس دموکراسی در کشوری مثل عراق، لیندسی هیلسام معتقد بود که عراق کنونی نمی تواند هم به کشوری دموکراتیک تبدیل شود و هم متعهد به دوستی آمریکا باقی بماند و عراقی ها از دید او تنها می توانند یکی از این دو را داشته باشند. به اعتقاد او حمله آمریکا به عراق نه برای صدور دموکراسی بود و نه برای سلاحهای کشتار جمعی. حمله به عراق از نیازی استراتژیک ناشی می شد که بعد از 11 سپتامبر به وجود آمد. همین نیاز که از سویی به اسرائیل پیوند دارد و از سویی به خطر القاعده و دیگر گروههای تروریستی، مانع از آن می شود که آمریکا در عراق برای دموکراسی تلاش کند.

### مداخله آزادیخواهانه و انترناسیونالیسم آزادیخواه

مارک لئونارد به بحث رابطه آمریکا و اروپا پرداخت و گفت نقش بریتانیا در این رابطه مهم است. او گفت اگر 11 سپتامبر آمریکا را تغییر داد عراق بریتانیا را تغییر داد. از این پس آمریکا نمی تواند به اینکه بریتانیا را در ماجراهای مشابه در کنار خود دارد مطمئن باشد چرا که هزینه ای که بریتانیا برای هر نوع همراهی در آینده درخواست خواهد کرد همانقدر خواهد بود که همراه کردن اروپا برای آمریکا دارد و این هزینه با هر مداخله دیگر سنگین تر خواهد شد.

مساله کنونی اروپا آن است که چقدر مجموعه اروپا قادر به همکاری در جهت سیاستی است که پیش از وقوع حوادث به آنها بیندیشد و سیاستی اتخاذ کند که صرفا واکنشی نباشد. به نظر او اروپا باید دکنترین خود را برای مداخله طوری تنظیم کند که برای همه دنیا قابل فهم باشد. اما اینکه اروپا و آمریکا می توانند با هم همکاری کنند هنوز پرسشی پاسخ نیافته است. در این همکاری تعریف واحد از مفاهیم مهم است و اینکه آیا دو طرف خطرات موجود را چه چیزهایی می دانند و بر سر جذب بودن آن توافق دارند یا نه. همچنین بر سر روش ها نیز اختلاف هست. به نظر مارک لئونارد، اروپا علاقه مند است که در تنظیم سیاست های داخلی کشورهای نیز دخالت کند چنانکه در مورد ترکیه می بینیم. در حالی که روش آمریکا گرایش به این دارد که در چارچوب کمک های نظامی باشد و دسترسی به بازار آزاد آمریکا را برای طرف مقابل تامین کند. اما این دو روش با هم متفاوت اند تفاوتی که فرق ایجاد امپراتوری را با انترناسیونالیسم آزادیخواه نشان می دهد. به نظر مارک لئونارد اروپا برای لیبرال دموکراسی که ارزش های آمریکا هم هست خواهد جنگید اما برای ایجاد یک امپراتوری آمریکایی نخواهد جنگید.

فیلیپ بابت تنها آمریکایی حاضر در این نشست، در ادامه بحث با دفاعی جانانه از سیاست های آمریکا و نقش آن در نیمه دوم قرن بیستم، اروپا و آمریکا را به دوقلوهای ایرانی لاله و لادن تشبیه کرد و گفت که تلاش برای جدا کردن آنها ممکن است به مرگ هر دو بینجامد. میزگرد "مداخله آزادیخواهانه لباس تازه امپریالیسم؟" در وقت کوتاه خود با وجود بهره وری از صاحب نظران طراز اول و جدی بودن مباحث و کوشش بر فشرده گویی باز به سوال اصلی پاسخ نداد. شاید حاصل این نشست برای شنوندگان عمدتاً جوان و دانشجویی آن ملاحظه گوناگونی دیدگاهها و انواع پاسخهای ممکن به سوالی بود که قانع کننده بودن جواب در آن بسیار بستگی به این دارد که در کدام سوی اقدام ایستاده باشی و از آن چه تاثیری بیابی: اروپایی یا آمریکایی باشی، در عراق زندگی کنی یا از دید اسرائیل و فلسطینیان به ماجرا بنگری

## کوناگون

صدام از ظهور تا سقوط

روزنامه اعتماد - سه شنبه 7 مرداد 1382 - 29 ژوئیه 2003

این موضوع برای خیرچین سیا بسیار جالب بود و او آن را به صورت اطلاعیه‌یی برای نخستین قرارگاه نزدیک سیا فرستاد. اما در آن قرارگاه هیچکس به خود زحمت نداد متن آن اطلاعیه را به واشنگتن مخابره و دولت را آگاه کند تا هشدار لازم را به رژیم سلطنتی بغداد بدهد. در نتیجه، کودتای خونین 14 ژوئیه به وقوع پیوست و هفته بعد از آن تازه آن اطلاعیه مورد بررسی مقامات سیا قرار گرفت و بر بی‌توجهی ماموران خود و انعکاس ندادن آن اطلاعیه افسوس خوردند. سهولت کار کودتا که چند افسر گمنام را به مقامات بالا رسانید، برای دیگر نظامیان جاه‌طلب اهل کندوکاو نیز عامل تشویق و ترغیب به اقدامات مشابه شد. نظامیان عراق در اداره امور حکومت تجربه چندانی نداشتند و چند ژنرال عراقی که در گذشته با موافقت پادشاهان عراق، زمام حکومت را بطور موقت به دست گرفته بودند، مانند بکرصدقی (در 1937 \ 1316 در فرودگاه موصل به قتل رسید) و نورالدین محمود (در سال 1952 \ 1331 برای جلوگیری از گسترش تظاهرات ضد انگلیسی، به دستور عبدالله نوری السعید شبه کودتای نظامی طرفدار رژیم انجام داد) به موفقیت چندانی نرسیده بودند. اما به پیروزی رسیدن کودتای 14 ژوئیه 1958 \ 23 تیر 1337، نظامیان عراقی را مغرور و شگفت‌زده کرد. سمت و درجه‌دادن به خود را، قاسم در ارتش عراق متداول کرد و خود را از درجه سرهنگی به سرتیپی و پس از یک سال و نیم به سرلشگری ارتقا داد. عارف که عقده حقارت داشت، خود را مارشال و سپس فیلدمارشال خواند و آن درجه را به خود داد و به دیگران هم درجات امیری بخشید. صدام حسین که از سال 1968 تا 1971 در کسوت غیرنظامی بود، پس از رسیدن به مقام ریاست‌جمهوری و فرماندهی کل قوا، با تصویب‌نامه سفارشی شورای فرماندهی انقلاب، به خود درجه ارتشبدی و سپس ارتشتاران‌نی داد و مهیب‌الکرکی شد. بذل و بخشش در اعطای درجه به رهبران کودتاها، دیگر نظامیان ارتش عراق را که مانند هر ارتشی دیگری در دنیا، درجه و ترفیع برایشان اهمیت داشت، به فکر تقلید می‌انداخت و این بود که کودتاها، یکی پس از دیگری شکل می‌گرفت. اما در دوران 35 ساله فرمانروایی البکر و سپس صدام حسین در عراق، تقریباً تمام عاملان کودتا که اقدامشان به شکست انجامیده بود، به مجازات‌های شدید رسیدند و بدین ترتیب ریشه کودتا در عراق رفته‌رفته خشک شد و صدام نیز این خشکی‌ده شدن نهال کودتا در عراق را از افتخارات خود می‌دانست.

نگاهی به تکرار اجتماعی و سیاسی مردم عراق - یک کشور چندملت

یوسف بنی طرف - همشهری - دوشنبه 6 مرداد 1382 - 28 ژوئیه 2003

زیر ذره بین

اصولاً بافت جامعه عراق عمدتاً بافتی عشایری است. در عراق، عشیره و ایل و طایفه و قبیله نقش عمده‌ای در زندگی سیاسی و اجتماعی مردم ایفا می‌کند. ما، این پدیده را هم در میان عرب‌ها و هم در میان کردهای عراق می‌بینیم. گرچه عراق سابقه چند هزار ساله شهرنشینی دارد و از حدود هفتاد - هشتاد سال اخیر نیز نهادهای مدنی در این کشور به وجود آمدند اما روابط عشایری همچنان روابطی تعیین‌کننده است.

جامعه عراق - اصولاً - موازیک رنگارنگ و متنوعی دارد. اگر بخواهیم جامعه شناسی مردم عراق را بررسی کنیم باید از بافت دینی، مذهبی و قومی فرهنگی این کشور آغاز نماییم. جمعیت عراق ۲۴ میلیون نفر است که حدود ۹۸ درصد آنان مسلمان و ۲ درصد مسیحی، یهودی، صابئی، ایزدی (یزیدی)، اهل حق و شیطان پرست اند. اینها - البته - گروه‌های کوچک دینی هستند. ترکیب جمعیتی مسلمانان نیز به شکل زیر است: ۶۰-۵۵ درصد شیعه و ۴۵-۲۰ درصد سنی. البته هیچ‌گونه آمار رسمی در این زمینه وجود ندارد. این از ویژگی‌های کشورهای خاورمیانه است که اساساً از ارائه آمار جمعیت بر حسب مذهب یا قومیت پرهیز می‌کنند.

از نظر قومی، ۱۵ درصد جمعیت عراق، کرد، ۳ درصد ترکمن، ۲ درصد آشوری و کلدانی و ۸۰ درصد عرب هستند. این به معنای آن است که کردها ۴ میلیون نفر، ترکمن ها ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر و آشوری ها و کلدانی ها ۴۰۰ هزار نفر برآورد می شوند.

ترکمن ها عمدتاً در شهر کرکوک زندگی می کنند که یک شهر چند مذهبی و چندقومیتی است. در آنجا عرب ها در کنار کردها و ترکمن ها و به نسبت تقریباً مساوی زندگی می کنند. کردها از نظر مذهب و گویش و لهجه دارای تفاوت هایی هستند. در اینجا می توان از کردهای بهدینی نام برد که در شمال عراق هستند.

مهمترین شهر آنان، اربیل و خانواده بارزانی وابسته به آنهاست و می توان حزب دموکرات عراق را نماینده سیاسی کردهای بهدینی دانست. دوم کردهای سورانی اند که اغلب در سلیمانیه و کرکوک زندگی می کنند و می توان اتحادیه میهنی کردستان عراق را نماینده سیاسی آنان تلقی کرد. سوم کردهای فیلپی هستند که شیعه مذهب اند. اینان در مناطق عراقی هم مرز با کرمانشاه و ایلام زندگی می کنند. در اینجا تناسب و تقارن مذهبی در دو سوی مرز به خوبی مشاهده می شود. در نتیجه می توان گفت در عراق ۱۸-۱۹ میلیون عرب، ۴ میلیون کرد و بیش از یک میلیون از قومیت های دیگر زندگی می کنند.

ترکیب مذهبی

بافت و ترکیب مذهبی مردمان عراق برحسب مناطق شمال، میانه و جنوب کشور تفاوت می کند. در شمال، اکثریت سنی مذهب اند و این نسبت به ۸۵-۸۰ درصد می رسد. اینان در استان های نینوا، کردستان، دیالی، تامیم و سامرا زندگی می کنند.

حدود ۹۰ درصد ساکنان شهر موصل - که سومین شهر بزرگ عراق و در شمال این کشور است- عرب و ۱۰ درصد کرد هستند. چهار پنجم ساکنان پایتخت - سنی و یک پنجم شیعه هستند. گرچه برخی از شیعیان اعتقاد دارند که بیش از یک سوم مردم بغداد، شیعه مذهب هستند. شیعیان در اغلب مناطق بغداد و به ویژه در شهرک الثوره (صدام سابق) و کاظمین به سر می برند.

جمعیت شیعه از شهر کوت در جنوب بغداد آغاز می شود و هرچه به سوی جنوب عراق برویم بر انبوهی و کثرت شیعیان افزوده می شود. می توان گفت حدود ۹۰ درصد مردم جنوب عراق، شیعه هستند. اینان در استان های بصره، نجف، کربلا، المثنی و میسان زندگی می کنند و شهرهای عمده آنان کوت، ناصریه، عماره، نجف، کربلا و بصره است.

البته باید یک شهر را در جنوب عراق مستثنی دانست و آن شهر زبیر - در نزدیکی بصره است که اکثریت مردمش، سنی مذهب اند.

اما، آشوری ها و کلدانی ها از ساکنان کهن سرزمین عراق اند. بین النهرین از نخستین جایگاه های پیدایش تمدن در جهان است و آشوری ها و کلدانی ها - که مسیحی هستند - پیش از اسلام در این سرزمین به سر می بردند.

همه ما با تمدن های کهن و تاریخی آشور و کلد که در شمال و جنوب عراق بودند، آشنا هستیم. آشوری ها و کلدانی های کنونی عراق بازماندگان آن اقوام هستند. آنان با پیدایش دین مسیح به مسیحیت گرویدند اما با ظهور اسلام، دین خود را رها نکردند و جزو اهل ذمه به شمار می رفتند. اغلب پزشکان و مترجمان دوران زرین اسلامی وابسته به این اقلیت دینی بودند.

عراق شامل دو منطقه آب و هوایی متمایز است. شمال عراق منطقه ای کوهستانی است که آب و هوای سردی دارد و شبیه آب و هوای کردستان ایران است. اما هرچه به سوی وسط و جنوب عراق برویم، هوا گرم تر می شود.

بغداد، اصولاً شهر سردسیری نیست و حتی گرمای آن در تابستان به پنجاه درجه بالای صفر هم می رسد. در جنوب و مناطق صحرانشین، هوا گرم و در بصره با رطوبت همراه است.

اصولاً بافت جامعه عراق عمدتاً بافتی عشایری است. در عراق، عشیره و ایل و طایفه و قبیله نقش عمده ای در زندگی سیاسی و اجتماعی مردم ایفا می کند. ما، این پدیده را هم در میان عرب ها و هم در میان کردهای عراق می بینیم.

گرچه عراق سابقه چند هزار ساله شهرنشینی دارد و از حدود هفتاد - هشتاد سال اخیر نیز نهادهای مدنی در این کشور به وجود آمدند اما روابط عشایری همچنان روابطی تعیین کننده است. در ایران، این پدیده کمتر است یعنی ما در تهران و آذربایجان و اصفهان و بسیاری مناطق دیگر اثری از روابط عشایری نمی بینیم اما در عراق این روابط هم در بغداد و هم در سایر مناطق کشور وجود دارند و نقش بازی می کنند.

ضمناً در عراق سه بعد زندگی اجتماعی را می توان مشاهده کرد: یک بعد شهرنشینی است که از دیرباز در عراق وجود داشته - ما در واقع نخستین پدیده یکجانشینی و شهرنشینی را در بین النهرین می بینیم، وجود شهرهای باستانی «اور» - زادگاه حضرت ابراهیم - و نیز حیره و مداین در پیش از اسلام نشانگر این امر است.

پس از اسلام بغداد، پایتخت امپراتوری اسلامی شد و در دوران عباسی به بزرگترین شهر دنیا تبدیل گشت که حدود یک میلیون نفر جمعیت داشت. هم اکنون پیرامون ۲۵ درصد از جمعیت کشور در بغداد زندگی می کنند که بافتی شهری - عشایری دارد. ما نقش شیوخ عشایر را در پر کردن خلاء سقوط رژیم عراق در فروردین ماه گذشته دیدیم. بعد دوم، بعد زندگی روستایی است که در عراق به آن

«ریف» می گویند. بعد سوم، بعد زندگی بدوی یا چادرنشینی است. در ایران به این شیوه زندگی بیلاق و قشلاق گفته می شود.

ناگفته نماند که روابط عشایری بر این دو بعد از زندگی روستایی و چادرنشینی چیرگی کاملی دارد اما سیطره این روابط در زندگی شهرنشینان ناقص است. زیرا در شهرها، نهادهای مدنی همچون احزاب و انجمن های فرهنگی و اجتماعی وجود دارند که بر زندگی مردم تأثیر می گذارند و از شدت روابط عشایری می کاهند.

از مهمترین عشایری که در عراق زندگی می کنند می توان به «بنی تمیم»، «بنی اسد»، «زبید»، «شمر»، «آل فتله»، «عنیزه» و «طی»، «عبید» و «دلیم» و «جبور» اشاره کرد.

به عنوان مثال عشایر بنی تمیم، اغلب در بصره، زبیر و «دلیم» اغلب در بغداد و وسط عراق، شمر در منطقه فرات وسطی، «آل فتله» در نجف و کربلا و «جبور» در موصل و شمال عراق زندگی می کنند. بنی اسد نیز که یکی از عشایر عمده نجف و کوفه و کربلاست بارها در این مناطق نقشی تاریخی داشته اند. مثلاً در تاریخ معروف است که عشیره بنی اسد در واقعه کربلا پیکر امام حسین (ع) و یارانش را به خاک سپردند. نیز همین بنی اسد بودند که آیت الله سیستانی را در اردیبهشت ماه گذشته و هنگامی که در محاصره تفنگچی ها بود، نجات دادند.

امتداد این قبایل و عشایر در خوزستان نیز هست. مثلاً ما، در این استان تیممی، زبیدی، اسدی، فتلاوی و عبیدی داریم که وابسته به بنی تمیم و زبید و بنی اسد و آل فتله و عبید هستند. البته این گستردگی های فامیلی و عشایری در همه مناطق مرزی ایران مشاهده می شود. از دیگر پدیده های شگفت انگیز در میان برخی از قبایل و عشایر عراق آن است که بخشی از افراد یک قبیله یا عشیره سنی و بخشی دیگر از افراد همان عشیره یا قبیله، شیعه مذهب هستند. مثلاً بخشی از عشیره «شمر» که در فرات وسطی - میانه عراق - زندگی می کنند، سنی مذهب و بخش دیگری که در جنوب به سر می برند، شیعه مذهب اند.

اصولاً عراق را از نظر جغرافیایی و تاریخی، قلب جهان اسلام و سر جهان عرب به شمار آورده اند. پس از استقلال کشور عراق در دهه بیست قرن گذشته و تشکیل دولت نوین عراق، ما بازتاب این تنوع قومی، مذهبی و عشایری را در حاکمیت عراق دیده ایم. مثلاً بنا به سنتی که از سال های پانزدهم دوران عثمانی و به ویژه از دوران استعمار انگلیس به جای مانده رئیس جمهور عراق، همواره از اهل سنت بوده است. گرچه احتمالاً در آن هنگام، تعداد شیعیان از سنیان کمتر بوده است اما چون نرخ زاد و ولدشان بیشتر بوده، جمعیت آنان فزونی گرفته و به اکثریت مردم عراق بدل شده است. ما شاهد چنین فراگردی درباره شیعیان لبنان نیز بوده ایم. عراق در دوران معاصر - به ویژه در دوره سلطنتی - چند نخست وزیر شیعه و یک یا دو نخست وزیر کرد هم داشته است. در دوره حاکمیت بعثی ها نیز سعدون حمادی رئیس پارلمان، شیعه و طاهای محیی الدین معروف یکی از معاونان رئیس جمهور، کرد بودند. گرچه با وجود سلطه استبدادی صدام حسین، این منصب ها، همگی تشریفاتی و کلیشه ای بود. اما طارق یوحنا میخائیل عزیز که یک مسیحی کلدانی و معاون نخست وزیر عراق بود، در سیاست خارجی، بازوی صدام حسین به شمار می رفت.

این تنوع نه تنها در منصب های بالایی حاکمیت بلکه در بافت دستگاه بوروکراسی عراق نیز مشهود است. همچنین اغلب احزاب مختلفی که طی این هفتاد - هشتاد سال اخیر تشکیل شده اند، وابستگی های عشایری، منطقه ای، قومی و مذهبی داشته اند.

به عنوان مثال یکی از بنیانگذاران حزب کمونیست عراق «فهد» نامی است که صابنی بود. در تاریخی معاصر و بنا به دلایل روانی و سیاسی، بسیاری از فعالان اقلیت های دینی به احزاب سوسیالیست یا کمونیست خاورمیانه پیوسته اند و «فهد» یکی از آنهاست.

یا دو تن از فعالان برجسته کرد یعنی جلال طالبانی و مسعود بارزانی دو حزب کرد را رهبری می کنند. در همین زمینه می توان به مجلس اعلی انقلاب اسلامی عراق یا حزب الدعوه یا حزب عمل اسلامی نیز اشاره کرد، که توسط روحانیان و سیاستمداران شیعی پایه ریزی شده اند.

ما این گونه گونی را در پیکارهای معاصر مردم عراق نیز می بینیم. از آن جمله، حضور روحانیان شیعه نظیر آیت الله حبیبی و آیت الله کاشانی در انقلاب ضد استعماری سال ۱۹۲۰ است که علیه انگلیسیان انجام شد. در واقع شیعیان (و نیز کردان عراق) مهر خود را بر انقلاب ۱۹۲۰ زدند. اما نه شیعیان و نه کردها از ثمره مبارزات خود در آن انقلاب بهره کامل نبردند.

اگر صف بندی نیروهای قومی و مذهبی عراق را در مقاومت علیه استعمارگران انگلیسی با صف بندی کنونی این نیروها علیه اشغالگران آمریکایی و انگلیسی بسنجیم می بینیم که صحنه گذشته و حال با هم تفاوت هایی دارد. در آن هنگام یعنی در سال ۱۹۲۰ تقریباً همه نیروهای قومی و مذهبی یعنی سنیان، شیعیان و کردها علیه انگلیسی ها متحد شدند و مبارزه کردند اما در این هنگام یعنی در تابستان سال ۲۰۰۳ کردها با آمریکایی ها همگام شده، شیعیان در پی مبارزه مسالمت آمیز و گروه های سنی مذهب به مقاومت مسلحانه دست زده اند.



در دوره حاکمیت سنی و پنج ساله حزب بعث و به ویژه در دوره فرمانروایی بیست و چهارساله صدام حسین بر عراق، اصولاً ثقل حاکمیت در دست يك فرد بود.

صدام حسین، وابسته به قبیله تکریت و زاده روستایی به نام «عوجه» در نه کیلومتری شهر تکریت است. «عوجه» از «عوج» و اعوجاج می آید و در فارسی، معنای تحت اللفظی اش «کج و معوج» است. نام و معنای این روستا باعث رواج طنزهای فراوانی درباره صدام حسین شده است. قدرت در عراق، در مرتبه نخست در دست صدام حسین، سپس در دستان خانواده و افراد عشیره (تکریتی ها) و در مرتبه نهایی در دست سنی ها قرار داشت. به این شکل می توان لایه های پلکانی قدرت در عراق را ترسیم کرد.

واکنش نسبت به نیروهای آمریکایی و انگلیسی در عراق اصولاً گروه های قومی و مذهبی عراق، واکنش های متفاوتی نسبت به نیروهای آمریکایی و انگلیسی نشان داده اند.

کردهای عراق برای همگامی و همکاری خود با نیروهای اشغالگر، دلایلی را ارائه می دهند که قابل تعمق است. آنان طی هفتاد هشتاد سال اخیر خود را زیر ستم حاکمیت عرب ها می دانند. آنان ورود آمریکایی ها به عراق و حتی حمایتشان از کردها طی ده سال گذشته را يك فرصت تاریخی به شمار می آورند. در صورتی که شیعیان که زیر تأثیر گفتمان انقلابی و ضدآمریکایی ایران هستند نظر مساعدی نسبت به آمریکا ندارند و ما این را در تظاهراتی می بینیم که هر از چندی در نجف و کربلا و بغداد انجام می گیرد. اما مخالفت شیعیان با اشغالگران - برخلاف مناطق سنی نشین- شکل مقاومت مسلحانه به خود نگرفته است آنان - اکنون - تظاهرات و اعتراض های مسالمت آمیز را ترجیح می دهند و نیروهای سیاسی شان، مرحله را برای مقاومت مسلحانه، زودهنگام می دانند.

بیشترین و خشن ترین مقاومت ها علیه نیروهای آمریکایی، هم اکنون در شهرها و مناطق سنی نشینی عراق یعنی عمدتاً در شهرها فلوجه، رمادی سامراء، بغداد و شهرک ها و نواحی میانی عراق انجام می گیرد.

پس از سرنگونی صدام حسین به دلیل تبعیض ها و محرومیت ها و ستم هایی که علیه شیعیان اعمال می شد، شاهد آزاد شدن انرژی وسیعی در میان آنان بودیم. در واقع ستمی که رژیم صدام حسین علیه شیعیان عراق روا می داشت عمدتاً ستم مذهبی بود.

یعنی همان گونه که بر کردها ستم ملی یا قومی روا می داشت بر شیعیان ستم مذهبی اعمال کرد. این ستم مذهبی در چند جنبه نمود پیدا کرده است: جنبه اجتماعی، جنبه سیاسی و فرهنگی. جنبه اجتماعی همین اجزای مناسب و شعایر مذهبی شیعیان است که در دوران صدام حسین کاملاً ممنوع بود. یعنی طی سالی گذشته و به خصوص پس از حاکمیت صدام حسین در سال ۱۹۷۹، شیعیان عراق از اجزای مراسم عزاداری برای امام حسین(ع) که يك سنت تقریباً هزار ساله است ممنوع شدند. مأموران دولتی و امنیتی به هیچ وجه اجازه نمی دادند کسی در کازمین یا کربلا شعایر مذهبی مثل سینه زنی و زنجیرزنی و این گونه آیین ها را انجام دهد. آنها حتی پخت و پز غذای نذری را هم ممنوع کرده بودند. آنان در واقع در حریم خصوصی و اعتقادی مردم نیز دخالت می کردند. این امر برای توده های معتقد مذهبی، عقده ها و کمبودهایی را ایجاد کرده بود. از جنبه سیاسی و فرهنگی نیز به رهبران شیعیان امکان ابراز وجود نمی دادند.

کار به جایی رسیده بود که چاپ و نشر رساله های فقهی و کتاب های ادعیه نیز با موانع فراوان روبه رو می شد. از همه اینها فاجعه بارتر تصفیه های فیزیکی مراجع تقلید و رهبران مذهبی بود که همگی از آن مطلعیم.

می توان گفت که برخورد نظام مبتنی بر ناسیونالیسم افراطی (عربی - سنی) علیه کردها و شیعیان، برخوردی خشن و بی رحمانه بود. البته نظام صدام حسین نسبت به سنی ها نیز ستم روا می داشت اما این ستم فقط شامل محرومیت توده های سنی مذهب از حقوق شهروندی بود: نظیر آزادی بیان، آزادی مطبوعات و آزادی احزاب سیاسی. اما قومیت ها و مذاهب دیگر - از دیدگاه حقوق بین المللی افزون بر حقوق شهروندی، حقوق گروهی - قومی خاص خود را دارند که در دوران حاکمیت صدام حسین از آن محروم بودند.

البته در مورد کردهای عراق باید گفت که اینان نسبت به کردهای دیگر مناطق از برخی حقوق قومی خود برخوردار بودند و در دهه هفتاد میلادی به يك خودمختاری نیم بند نیز دست یافتند اما آنان در سال های اخیر خواهان نوعی فدرالیسم در عراق هستند. اصولاً کردهای عراق از سال ۱۹۲۰ تاکنون در کنار زبان رسمی عربی به زبان مادری خویش درس می خوانند و کتاب چاپ می کنند.

در اینجا لازم می دانم درباره محرومیت شیعیان عراق به موردی اشاره کنم که از زبان یکی از آنان شنیده ام. وی طی گفتگو یی با يك شبکه تلویزیونی عربی گفته است: «در روزهای محرم و صفر، ممنوعیت برگزاری مراسم عزاداری آن قدر شدید بود که ما شیعیان مجبور می شدیم هر ده - دوازده نفر مخفیانه و به دور از چشم سازمان امنیت جمع شویم و این مراسم را برگزار کنیم». نظام پیشین عراق در واقع از هرگونه تجمع مذهبی و تبدیل آن به گردهمایی سیاسی اعتراضی، هراس داشت.

این امر در تاریخ معاصر عراق (و ایران) نمونه های فراوان داشته است. جامعه شناسی عملیات تاراج و چپاول

پس از سقوط نظام صدام حسین در فروردین ماه گذشته، پایتخت و برخی از شهرهای بزرگ عراق در معرض عملیات تاراج و چپاول قرار گرفت. در واقع تاراج شامل خانه ها، نهادهای دولتی، حکومتی، وزارتخانه ها و حتی کاخ ها و موزه ها بوده است. این غارتگری منحصر به بغداد نبود بلکه در موصل، کرکوک، بصره و چند شهر دیگر نیز انجام شد. در شهرهای شیعه نشین و به ویژه در کربلا و نجف این کار صورت نگرفت زیرا انسجام اجتماعی این دو شهر مذهبی از دیگر شهرهای عراق بیشتر بود. آنان فوراً شوراهای مردمی تشکیل دادند و جلوی هر نوع چپاول و تاراجی را گرفتند. درباره تاراج گران و ماهیت آنها دیدگاه های مختلفی ارائه شده است. برخی از جامعه شناسان این پدیده را ناشی از سرکوب اجتماعی و سیاسی و اختلاف طبقاتی میان توده های مردم با هیأت حاکمه می دانند. به ویژه روی حاشیه نشینان شهرها تأکید می کنند.

در این زمینه به طور مشخص روی سه گروه انگشت گذاشته می شود؛ یکی زندانیانی هستند که دولت بعثی عراق، دو سه ماه قبل از سقوط خود آزاد کرد. در میان آزادشدگان، شمار اندکی زندانی سیاسی و اغلب از جنایتکاران، تبهکاران، دزدان حرفه ای، و قاتلان بودند. گفته می شود افراد این گروه که سابقه دار هستند از فرصت خلاء پدید آمده در عرصه قدرت سیاسی استفاده کردند و به تاراجگری پرداختند. اینان در واقع از نظر وجدان اجتماعی، تعلقات دینی و مذهبی کمتری دارند.

بخش دیگر تاراجگران، افراد مشخصی هستند که به سرقت آثار تاریخی و گرانیهایی موزه ها و کتابخانه ها دست زدند یا آنها را به آتش کشیدند. ما، این را در دو کتابخانه عمده بغداد یعنی کتابخانه ملی و کتابخانه اوقاف دیدیم. اینها از مهمترین مراکز حفظ اسناد و مدارک تاریخی عراق هستند. برخی از تحلیل گران این کارها را به گروه های سازمان یافته یهودی یا هوادار اسرائیل نسبت می دهند که گفته می شود با آمریکایی ها به عراق آمده بودند. و در واقع در موزه ملی بغداد آثار گرانقدری وجود دارند که عمرشان به پنج هزار سال می رسد.

گروه دیگر برخی از ارباب جمعی و سربازان آمریکایی بودند که شماری از آنان را در خود آمریکا دستگیر کردند. مثلاً در اواخر فروردین ماه یکی از کارمندان فاکس نیوز را در فرودگاه یکی از شهرهای آمریکا دستگیر کردند و صدمیلیون دلار را نزد وی کشف کردند. وی این مبلغ را از عراق آورده بود. هم چنین شماری از سربازان آمریکایی، شمشیرهای طلا و تحفه های هنری را با خود برده بودند. بخش چهارم تاراجگران، گروه های تهیدست و لایه های حاشیه نشین شهرها بودند که البته کارهای آنان شامل سرقت اقلامی مانند میز و صندلی و مسایلی از این دست بود.

کالبدشکافی مقاومت اولیه پس از ورود نیروهای آمریکایی و انگلیسی به عراق در بیست و نهم اسفندماه گذشته، تنها مقاومت قابل ذکر در شهر بصره و توابع آن در ام القصر رخ داد، در صورتی که بغداد به آسانی و خیلی سریع سقوط کرد. این امر پرسش هایی را در ذهن بسیاری از مردم جهان برانگیخت. ظاهراً مقاومت بصره تا زمانی ادامه یافت که سرفرماندهی عراق در بغداد پابرجا بود. اما این شهر دوم عراق بر اثر فشارهای نظامی قادر به مقاومت نبود و سقوط کرد. مساله ای را که نباید فراموش کنیم این است که رژیم عراق به دلایلی که همگان می دانیم از سال ۱۹۹۱ مشروعیت تاریخی خود را از دست داد.

دولت آمریکا نیز با علم به این موضوع توانست طی یکی دو سال اخیر، حلقه آهنین پیرامون صدام حسین را بشکافد و در میان نخبگان نظامی و به خصوص گارد ریاست جمهوری نفوذ کند و برخی از فرماندهان عراقی را به خود جلب کند.

من يك بار گفتگویی را با ژنرال عامر السعدي - مشاور نظامی و علمی صدام حسین - شنیدم که گفت: «مأموران آمریکایی با من تماس گرفتند و از من خواستند با آنان همکاری کنم و من نپذیرفتم.» این صحبت مربوط به پیش از سرنگونی رژیم عراق بود. پس از سرنگونی رژیم عراق نام عامرالسعدي را جزو لیست پنجاه و پنج نفری دیدیم که تحت تعقیب دولت آمریکا هستند.

ظاهراً کوشش های این دولت برای جذب فرماندهان نظامی و افراد مؤثر در رده های بالای ارتش عراق طی یکی دو سال اخیر کارگر افتاد و به نظر می آید عدم مقاومت شهر بغداد ناشی از این قضیه است. در بصره نیز مقاومت - اغلب - از سوی نیروهای هوادار رژیم پیشین یعنی فداییان صدام و میلیشیاهای وابسته به حزب بعث بود. شاید ارتش نیز قدری در این مقاومت سهیم بود اما در کوت و ناصریه، مقاومت چندانیکرد. به همین سبب صدام حسین در پیامی که اواسط جنگ فرستاد بیشتر از فداییان صدام و شبه نظامیان حزب بعث ستایش و تشکر کرد و نامی از ارتش عراق نبرد. گویا این مساله باعث دلخوری بخشی از فرماندهان ارتش عراق شد.

در واقع نیروهایی در جنوب عراق دست به مقاومت زدند که وابسته به لایه های اجتماعی منتفع از رژیم سابق بودند. ما همین قضیه را به شکل گسترده تر و متشکل تر در عملیات مسلحانه ای می بینیم که در روزهای اخیر علیه نیروهای آمریکایی و انگلیسی انجام می شود. این عملیات - اکنون - اغلب در مناطق میانی و سنی نشین عراق صورت می گیرد. نباید فراموش کنیم که حزب بعث عراق دو ونیم میلیون نفر عضو داشت که با خانواده هاشان ده میلیون می شدند. اینها اگر نگوئیم پشتیبان ولی به هر حال هوا دار سیاسی آن نظام بودند. در واقع در روزهای اولیه جنگ هر چه نیروهای اشغالگر از جنوب به شمال پیشروی می کردند از میزان مقاومت کاسته می شد تا این که در بغداد به صفر رسید.

در شمال - حتي در مناطق عرب نشين - مقاومتی صورت نگرفت. چند روزی پس از سقوط بغداد  
قراردادی میان فرمانده لشکر پنجم و نیروهای آمریکایی در موصل بسته شد و شهر تسلیم آنان گردید و  
جنگی انجام نگرفت.